



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۰۲	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۰۲
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یله سه شنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۵ رمضان ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران - سالانه ده تومان خارج ۲۰ دوازده تومان قیمت تک شماره بک قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس لیلہ سه شنبہ ششم اسفند ماہ ۱۳۰۸ * (۲۵ رمضان ۱۳۴۸)

فہرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
- ۲ (طرح و تصویب استخدام مہتر کارول مہندس امریکائی)
- ۳ (طرح و تصویب لایحہ تفتیش و نظارت بروات و نقود خارجی)
- ۴ (موقع و دستور جلسہ بعد - ختم جلسہ)

مجلس ساعت ۹ (مقارن سه ساعت از شب گذشتہ) بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس لیلہ پنجشنبہ اول اسفند ماہ را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

رئیس - آقای کازرونی

فیروز آبادی - قبل از دستور

کازرونی - بندہ راجع بصورت مجلس عرض داشتم

* عین مذاکرات مشروح صدودومین جلسہ از دورہ ہفتم تقنینیہ باستانی مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذر ماہ ۱۳۰۵)
دایرہ تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین کہ ضمن صورت مجلس خواندہ شدہ است : غائبین جلسہ ۱۰۰ ، غائبین با اجازہ - آقایان ،
حسنعلی میرزا دولتشاہی - عبدالحمید خان دیا - فراگزلو - بالیزی - دیوان بیکی - سید مرتضی خان وثوق - اورنگ - بروجردی
ابیر حسین خان - تیمورتاش
غائبین بی اجازہ - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - بوشہری - آصف - اعظم - لرستانی - رحیم زادہ - قوام -
حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مہدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
دیر آمدہ با اجازہ - آقای چشمدی
دیر آمدگان - بی اجازہ - آقایان : دشنی - بیات ،
غائبین جلسہ ۱۰۱ ،
غائبین با اجازہ - آقایان ، حسنعلی میرزا دولتشاہی - عبدالحمید خان دیا - دستانی - فرخی - بالیزی - سید مرتضی خان وثوق
حاج میرزا حبیب اللہ امین - احتشام زادہ - ارباب کیخسرو - تیمورتاش ،
غائبین بی اجازہ - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - بوشہری - آصف - اعظم - لرستانی - کازرونی - رحیم زادہ -
وام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بروجردی - حاج حسین آقا مہدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک
حاج غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازہ - آقایان : محمد شبانی - محمد علی میرزا دولتشاہی

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کنم بنده را در جلسه گذشته غائب بی اجازه نوشته بودند و حاضر نبودم لیکن چون مبتلابه نب بودم معذور هستم و استدعا میکنم که با اجازه نوشته شود

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

(نمایندگان - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

روحی - دستور

آقا سید یعقوب - لایحه تأمین مدعی به

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع باسخدام مستر

کارل قرائت میشود :

[۲ - طرح و تصویب باسخدام مستر کارل

مهندس آمریکائی]

خبر کمیسیون بودجه قدیم

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۱۰۳۴۳/۱۰۸۴۴۶ دولت راجع باسخدام مستر کارل مهندس عضو هیئت نظارت و تفتیش راه آهن را با حضور نماینده دولت مطرح و مورد شور قرار داده با توضیحاتی که داده شد کمیسیون با ماده واحده پیشنهادی موافقت و اینک راپرت آنرا تقدیم مجلس مقدس مینماید

ماده واحده - وزارت فوائد عامه مجاز است مستر س . ح کارل مهندس تبعه دولت متحده امریکای شمالی را برای مدت یکسال از تاریخ ۸ دیماه ۱۳۰۸ لغایت ۷ دیماه ۱۳۰۹ با استفاده یکماه مرخصی از قرار هیجده هزار دلار حقوق سالیانه و صدی بانزده حقوق مزبور بابت مخارج سکونت و سوخت و روشنائی استخدام و برای مخارج مسافرت مشارالیه در ایران از قرار روزی چهار تومان مقطوع و نیز مخارج مسافرت خود و خاتمش را از امریکا بابران و بالعکس از محل عایدات

انحصار قند و شکر تأدیه نماید

رئیس - خبر کمیسیون خارجه در همین موضوع است :

خبر کمیسیون امور خارجه

کمیسیون خارجه لایحه نمره ۱۰۳۴۳/۱۰۸۴۴۶ دولت را نسبت باسخدام آقای س . ح کارل مهندس تبعه امریکا را تحت مذاقه قرار داده و با مدلول لایحه مذکوره از نظر تابعیت موافقت مینماید

رئیس - ماده واحده مطرح است . آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائیکه مثل همه آقایان میل دارم که حفظ مالیه مملکت کاملاً بشود و از روی اقتصاد و صرفه جوئی ما خرج کنیم هر چه قدر بتوانیم . چرا برای اینکه وضعیت ما معلوم عایدات مان معلوم صادرات ما زیاد... (چند نفر از نمایندگان - کم) کم واردات ما زیاد پس چاره نداریم و بر خودم بنده واجب میدانم که در این زمینه هر قدر که بتوانم یا فشاری بکنم که خرج و دخل دولت تعدیل شود و دیگر نیاید و مجبور باشم که مالیات جدیدی وضع کند یا ترتیب دیگری پیش بیاید باینجهت بنده مخالفم با اینکه بکنم مستخدم ما بگیریم بکنم مهندس بگیریم باسالی هیجده هزار تومان در صورتیکه نمیدانم از چه نقطه نظر است که بکنم مستخدم خارجه با این مقدار استخدام شود درست است آنها دولتشان زیاد است همه چیزشان زیاد است اما آنقدر ها مهندس در آن جا نیست کارگر در آنجا هست که آنقدر ها قیمت زیاد ندارد گران بکنم مهندس آنجا قیمت زیاد داشته باشد که ما بایستیم با هیجده هزار تومان یک نفر را کنترات کنیم در این کنترات هم بعضی چیزها هست که بنده هر چند خواستم بفهمم نفهمیدم نوشته است علاوه بر این صدی سی بجهت مخارج مسافرت و مخارج دیگر و مخارج ایاب و ذهاب داده میشود اینها را بنده نفهمیدم که اضافه میشود بر آن هیجده هزار تومان با جزء همان هیجده هزار تومان است اگر اضافه میشود بر همین هیجده هزار تومان پس وای بحال ما اگر

هیجده هزار تومان باشد در هر صورت باز بصرفه ما نیست باید تحقیق بکنیم به بینیم اگر ممکن میشود دیگری با استخدام کنیم که بکمت از این حاضر باشد و مجبور باید باشم که یک همچو شخصی را کنترات کنیم که با یک مبلغ باین گرافی بیاید در هر حال ملاحظه صرفه جوئی را در کار باید بکنیم نظر بلندی بجهت ماضی است هر چند در جواب بنده شاید بفرمایند که ما می توانیم صرفه جوئی کنیم که یک مهندس خیلی عالی داریم اگر مهندس عالی نیابوریم یکدفعه فرضاً یک میلیون بپردازیم بنده عرض میکنم از قراریکه شنیده ام مهندسای عالم مثل این یا بهتر از این هستند که بدر خط آهن می خورند و بکمت از این هم شنیده ام حاضر میشوند حالا می خواهم اولاً به بینم که کتر از این ممکن نبود یا ممکن نمیشود و ثانیاً آن اضافاتی که هست ان شاء الله بر هیجده هزار تومان اضافه میشود یا خیر ؟ چون بنده هر دو احتمال را میدهم که از این ۱۸ هزار تومان احتمال میدهم زیاد باشد باین ملاحظه بنده مخالفم امید وارم آقایان هم از روی دقت و بصیرت و فکر می بدهند و علاوه بر این از دیماه گذشته نوشته است من کردم کنتراتهایی که در مجلس می آید از روزی مجلس تصویب می گند باید باشد مجلس که نمی تواند در های قبل را تصویب کند این بر خلاف رویه و نوع صرفه جوئی است .

وزیر عدلیه (آقای داور) - اگر این لایحه طرح شده بود و نماینده محترم این مخالفت را نکرده بودند نظر صرفه جوئی بنده یقین میکردم که یک وضعیاتی جو هوا پیدا شده است برای اینکه این یک سیستم رویه ایست مخصوص بنجد آقای فیروز آبادی از نقطه بر اصولی که خودشان می دانند که هر چیزی که نهاد میشود آن را می فرمایند یک قدری کم بکنید و بکنید نصف بکنیم و لکن در اصل قضیه اگر وارد نمیشد نه از نقطه نظر آن صرفه جوئی که آقا همیشه

تعمیب می کنند از نقطه نظر آن صرفه جوئی که بنده خیال میکنم که یک صورت دیگری و یک شکل دیگری انسان غیر از آن شکلی که آقا تصور می کنند ممکن است باشد و آن عبارت از این است که انسان پولش را در یک جائی خرج کند و بیک کسی بدهد که مفید باشد اگر شما نیک این پول را بدهید بیک کسی که اطلاعات این شخص را نداشته باشد همانطور که آقا جواب از سؤال مقدر را دادند خیلی بیشتر ضرر خواهند کرد و صرفه جوئی آن کمتر خواهد بود و پول را دور ریخته ایم آقا وقتیکه میخواهید بنائی کنید عمارتی بسازید بنده یقین می کنم ب فکر این می افتید که یک بنائی باشد که کار دان باشد بلد باشد و الا اگر آمد خیلی هم ارزان گرفت ولی سقف را که زد بعد از چند روز خراب شد بعد از یک باران آن سقف پائین آمد انصافاً این را از شما میپرسم که آیا حقیقه شما میروید یک همچو بنای بی اطلاعی را می آورید بعنوان اینکه این روزی پنجقران بگیرد و آن یکی روزی دوازده قران؟ میخواهیم به بینیم در اینجا صرفه جوئی کدام است ؟ صرفه جوئی در آن بنائی است که بتواند سقف را طوری بزند که قابل دوام باشد و روزی دوازده قران بگیرد یا اینکه روزی پنجقران بگیرد و سقف بعد از چند روز خراب شود ؟ پس این اصل را اگر ما قبول کنیم که پول را مناسب بکار باید داد و از برای کار خوب هم باید پول خوب داد آنوقت باید به بینیم که آیا این شخص کسی است که میتواند برای ما خوب کار کند یا نه ؟ با اطمینان کامل این عرض را میکنم که این شخص یک کسی است که دارای اطلاعات کافی است و مخصوصاً این شخص مدتی است در این قسمتها امتحان عملی خوبی داده است و طرف استفاده بوده است و کسی است که در ممالک دیگر هم از این قبیل کار ها کرده است و آن طور هم نیست که آقا شنیده باشید که ارزانت از اینهم هست مگر اینسکه معلومات این را نداشته باشد کفایت این را نداشته باشد البته ارزانت است و با سه هزار دلار هم ممکن است

يك كسى را پيدا كرد و يك عمله را برداشت آورد اينجا اما اگر بخواهيم يك مهندسى باشد كه بتواند تشخيص بدهد كه كارها از روى چه ترتيبى است و نواقض كجا است و بتواند اظهار نظرى كند كه بآن اظهار نظر ترتيب اثر بدهيم بايد يك همچو آدمى بيابد كه داراى معلومات كافيه باشد اما اينكه يك كسى كه در اين جا كار كرده و خوب هم كار كرده است امروز ما بخواهيم ازش صرف نظر كنيم و برويم يك آدم ديگر را بياوريم اين راقطع داشته باشيد كه اين ملاحظات را كاملاً دولت در وقتى كه تجديد كمترت را پيشنهاده كرده است در نظر گرفته است كه نميشود زيرا بيشتر ضرر خواهيم كرد و ضمناً هم باقاً عرض ميكنم كه در اين لايحه يك نكته هم هست كه ظاهراً بنظر مى آيد كه هيچده هزار دلار در سال داده مى شود در صورتيكه اينطور نيست و در حقيقت پانزده هزار دلار است سه هزار دلار اين بابت حقوق آن مدتي است كه قبل از آمدن باین جا طلب كار بوده است و از آن بابت طلب كار بوده است آن طلب را آورده ايم اين جا ... (بعضى از نمايندگان پس عليه كنيدي) و چنانچه آقایان هم بخواهند اين را تفكيك بكنند كه سه هزار دلار از بابت حساب قبل و پانزده هزار دلار بابت حقوق يكساله در هر صورت بنده تصور مى كنم كه مطلب برای ما فرقى نمى كند چه اين سه هزار دلار را از بابت سابق حساب كنيم و پانزده هزار دلار برای حقوق يك ساله و چه هيچده هزار دلار را يك جا بنويسيم و تصويب بفرمائيد و گمان مى كنم با اين توضيحاتى كه بنده اين جا دادم رفع اشكال ميشود بجهت اينكه بنده ميگويم سالي هيچده هزار دلار نيست و پانزده هزار دلار است و البته علاوه از ان صدی پانزده كه در آن جا قيد شده است. و حالا بنده تصور مى كنم كه چون يك كار مهم تر ديگرى در پيش است كه البته آقایان اطلاع دارند بايد موافقت بفرمائيد كه اين لايحه زودتر بگذرد (صحیح است)

رئیس - آقای محمود رضا

محمود رضا (طالع) - اولاً اين لايحه آنطورى كه آقای وزير عدليه فرمودند نمى رساند كه سه هزار دلار از بابت طلبى كه او داشته است محسوب ميشود بنده ماده واحده را ميخوانم نوشته است: ماده واحد وزارت فوائد عامه مجاز است مستر س. ح. كاروان مهندس تبعه دولت متحده امريكاي شمالي را برى مدت يكسال از تاريخ ۸ دى ماه ۱۳۰۸ لغايت هفتم پند ۱۳۰۹ با استفاده يك ماه مرخصى از قرار هيجده هزار دلار حقوق ساليانه و صدی پانزده حقوق مترو بابت مخارج سكوت و سوخت و روشنائى استخدامى برای مخارج مسافرت مشار اليه در ايران از قرار روز چهار تومان مقطوع و نيز مخارج مسافرت خودر خامش را از امريكا بايران و بالعكس از اجل عايدان انحصار قند و شكر نأديه نمايد مطابق اين حسابى كه بنده كرده ام تقريباً در حدود بيست هشت و هزار هفتصد و هفتاد تومان حقوق ساليانه اين آدم است حالا آمديم ميگويند سه هزار تومان از بابت حقوقى كه كه طلب داشته است. باز هم پانزده هزار دلار ما اين شخص را استخدام مى كنيم در صورتي كه با آقای بندي هم كه الان صحبت ميكردم اين آدم همين كه استخدام شده بود در سال با هفت هزار و باصداً توپ چه باعث شده است كه مجدداً همين آدم را ما بايد حقوق پانزده هزار دلار استخدام كنيم؟ اين لايحه قابل قياس با هم نيست اساساً يك قضيه ديگرى كه ما راى ما اشتباه شده است اين است كه در استفاد خارجى ها اين را ما تصور ميكنيم كه فقط ما اين كه از خارجى ها استخدام ميكنيم در صورتيكه دول ديگر هم هستند كه از مستخدمين خارجى استفاده مى كنند مستشار ماليه مى آورند ولي نه باین مبلغى كه ما پانزده ميدهيم ما بكوچكترين مستخدم خارجى مان هزار تومان ماهيانه ميدهيم در صورتيكه ما با يك مبلغ خيلى

از اين ميتوانيم بهترين متخصص اروپائى را استخدام كنيم علاوه گذشته از همه اينها اساساً قضايای راه آهن است يك صحبت هاى در اطراف راه آهن شنيده ميشود گویا يك نفر از نمايندگان هم برای همین موضوع چندی قبل از هيئت دولت سؤال كرد و هيئت دولت برای جواب حاضر نشدند و از قرار تخمى قمانى كه خودم كردم مخصوصاً آقایان نمايندگان كه در ركاب اعليحضرت همايونى بودند و مخصوصاً شخص اعليحضرت همايونى توى اين هواى زمستان هم قسمت شمال و هم قسمت خوب را رفته اند و سر كشي كرده اند و بنده شنيده ام كه ناراضى برگشته اند و من معتقدم كه غالب رفقای محترم بنده هم معتقدند كه شخص اعليحضرت همايونى باندازه دقت در مسائل ميكنند كه شايد هيچكدام از ما آقایان دقت نكنيم و بالاخره شخص اعليحضرت همايونى هم ناراضى از اين سفر برگشته اند در هر حال قضايای راه آهن يك موضوع فريجه نيست و برای ما هيچ تشريح نشده است و ما نميدانيم قضايای راه آهن چيست و اين پولها كه ما برای راه آهن داديم در كجا مصرف شده است آیا اين پولها حيف و ميل نشده است خرج شده است؟ راه آهن داريم؟ و اگر داريم اعليحضرت همايونى چرا ناراضى برگشته اند اين را خواستم يك توضيحاتى بدهند و خواستم در ضمن اين لايحه يك توضيحي از راه آهن هيئت دولت بمجلس بفرمائيد.

وزير عدليه - در قسمت اول كه لايحه تفكيك نميكنند باین آنچه كه باین شخص داده ميشود بابت حقوق ساليانه آنچه كه طلب كار است اين را كاملاً بنده تصديق ميكنم كه حق با جناب عالی است لايحه باین صورت نوشته شده بود و بعد از اينكه بكمسيون بودجه داده شد مذاكره كرديم و بنا هم شد كه اگر لازم باشد قبل از اينكه بمجلس داده شود اين اصلاح را بكنيم ولي متأسفانه امشب بواسطه گرفتارى بنده يك قدرى دير تر رسيدم و لايحه باین شكل تنظيم شده آمد بمجلس ولي در هر حال با اين

توضيحي كه حالا بنده ميدهم اصلاح خواهد شد. راجع بقسمت راه آهن ...

(در اين موقع چند نفر از آقایان نمايندگان با هم صحبت ميكرند)

وزير عدليه - بنده تأمل مى كنم هر وقت فرمايشات خصوصى آقایان تمام شد آنوقت عرض ميكنم عرض كنم در قسمت اينكه راه آهن خوب درش كار شده است پولهاى كه داده ايم بمصرف صحيح رسيده است يا نه بنده عجلاله تا وقتى كه دولت مذاكراتى كه شروع كرده است و اعتراضاتى را كه داده است آنها را در قسمت ادارى خودش بجائى زساند لازم نميدانم كه در اين جا توضيحي بدهم و خواهش مى كنم نماينده محترم تأمل كنند تا وقتى كه دولت مطالعه كند و اين شخص هم يكى از همان اشخاص است كه بايستى در اين جا اظهار نظر كنند و جزء هيئت نظار ما است و بايد به بيند كه چه جور كار شده است چقدرش زياده خرج شده است پس بنا بر اين گمان مى كنم از برای اينكه او هم بتواند بادلگرمى بكارش مشغول شود بهتر اين است كه ما هم تكليفش را معلوم كنيم و بعد هم البته او اقدامات خودش را در قسمت كار خودش نشان خواهد داد و مسلم است كه تمام قضايای مربوطه براه آهن در موقع خودش بمرض آقایان خواهد رسيد.

بعضى از نمايندگان - مذاكرات كافي است

رئیس - پيشنهاده آقای ديبا قرائت ميشود:

دشقى - خوب كافي نبود مذاكرات

پيش نهاد آقای ديبا

پيشنهادهى نمايم تبصره ذيل جامده واحده علاوه شود: تبصره - دولت مجاز است بر طبق ماده دوم قانون كمترت مستخدمين خارجه مهابوب ۲۳ عقر ب ۱۳۰۱ ساير شرايط را تعيين و كمترت مشار اليه را امضا نمايد.

رئیس - آقای طباطبائى ديبا

طباطبائى ديبا - اين غالباً در ضمن تبصره ماده واحده

مستخدمین خارجی قید می شد و ظاهراً در این مورد غفلت شده است پیشنهاد کردم این تبصره اضافه شود رئیس - نظر آقای مخبر چیست؟

وزیر عدلیه - يك مرتبه دیگر ممکن است قرائت بفرمائید؟
(بشرح سابق قرائت شد)

وزیر عدلیه - بنده کاملاً موافق بجهت اینکه این اصل کلی است و می خواهید هم ذکر شود عیبی ندارد رئیس - آقای مخبر هم موافقت دارند؟

کازرونی - (مخبر کیسیون بودجه قدیم) بلی . بلی .
رئیس - پیشنهاد آقای دشتی قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دشتی

بنده پیشنهاد میکنم حقوق مشار الیه به ده هزار دلار تنزل کند .

رئیس - آقای دشتی

آفاسید یعقوب - پیشنهاد بنده مقدم است پیشنهاد کمتر کرده ام

دشتی - بنده خیلی خوشوقتم که آقای وزیر عدلیه تشریف دارند و ایشان يك شخص رزنا بل منطقی هستند که میتوانند جواب منطقی بدهند یعنی باصول فرمالیته قناعت نکنند و فقط بگویند که چون شخص عالمی است و بدرد ما می خورد ما باید بهیچده هزار دلار او را استخدام کنیم عرض کنیم مستر کارل با تمام این علم و معلوماتش در دو سال قبل از این با ۷۵۰۰ دلار استخدام شد و حالا در ۱۸۰۰۰ دلار او را استخدام کرده اند و علاوه بر ۱۸۰۰۰ دلار صدی پانزده هم که تقریباً سه هزار دلار میشود باو میدهند که روزی هفتاد و هفت دلار میشود تفاوت دلار را هم اگر بخواهید حساب کنید که دلار امروز تقریباً چقدر قیمت دارد تقریباً بیست و هشت هزار و چهار صد و کسری تومان میشود یعنی که چهار برابر شده است حقوق مستر کارل این حقیقه يك چیز وحشت ناکی است (صحیح است)

از ازمعایات سندیکا کاملاً ناراضی است و دارد کمک میکند توضیح عملیات آنها خوب این شخص که اطلاعات داشته و در کوران و جریان کار آنها بوده او باید قبلاً هم این کار را کرده باشد و جلوگیری سخت و شدیدی کرده باشد آنوقت يك همچو منحصی که با وجود همه علم و اطلاعاتش توانسته است برای ما يك خدمتی انجام بدهد که برای ما تفاوت این خدمت تقریباً پنج شش میلیون است آنوقت حقوق این مهندس چرا باید از ۷۵۰۰ دلار تجاوز کند و به بیست و هشت هزار بیست و نه هزار تومان برسد بر فرض که دولت از او راضی باشد بخواهد از وجود او استفاده کند باید البته نصف حقوقش را بهش اضافه بدهد ۷۵۰۰ دلار بوده است هزار دلار بهش بدهد یازده هزار دلار بهش بدهد یازده هزار دلار بهش بدهد (بعضی از نمایندگان - رسید که یازده هزار دلار) علاوه بر این فرمودند که این سه هزار دلاری که در اینجا نوشته شده است مال خرج سفر است در صورتیکه خرج سفر را اینجا نوشته اند .. بعضی از نمایندگان - خیر مال طلب اوست

دشتی - فرضاً که طلب داشته باشد طلب را که نباید از حقوق بکنند و باید حقوق جدا باشد برای اینکه حق طلب را جزو حق - وق کردند خود آن اخذ حقوق شود مثل کاری است که صاحب مستغلات طهران میکنند روزگرایه منزلشان را گران میکنند و میگویند این مأخذ ملک ما خواهد شد اگر چه پول تومان بوده پنجاه تومان میکنند آنوقت میگویند پنجاه هزار تومان می ارزند حالا قیمت مهندس هم همین طور بالا میرود چه داعی داشته است دولت این مبلغ را که این شخص طلب داشته است ببرد و در این جا محسوب کنند در هر حال فرض نمائید هیجده هزار دلار میدهد یا پانزده هزار دلار بدهد دیگر برای چه روزی چهار تومان خرج سفر کنند این انوموبیلی است که دولت بهش میدهد هر

سال هم هیجده هزار تومان بهش حقوق میدهند دیگر خرج سفر برای چیست؟ این کارها واقماً چیز مضحکی میشود یکی دیگر خرج مسکن و اینها است يك مهندسی که دو سال است در طهران مانده این خودش می تواند برود خانه کرایه کند شما کرایه خانه چرا باومی دهید اینها يك سخاوتهائی است که در تحت این عناوین باید يك پولی از کیسه این ملت برود بیرون

وزیر عدلیه - نماینده محترم با اینکه فرمودند که بنده منطقی جواب میدهم معذالك بعد از اینکه عرایض را کردم فرمودند که منطقی نبود برای اینکه فرمودند که خوب کار نکرده است . خوب کار نکردن سندیکا دلیل بر خوب کار نکردن کارل نمیشود باید دید کارل راپرتهائی که باید بکند و اعتراضاتی که باید بکند در موقع کرده است یا نکرده است (دشتی - اگر راپورت داده است پس وزارت فوائد عامه مقصر است) والا يك شخصی که فقط نظارت داشته است این شخص را نمیشود گفت چرا چون دیگری بدساخته است فلاقدر مبلغ بقو کسر میدهم . عرض کنم البته خیلی براحتی انسان نمیتواند يك کلماتی را بگوید خصوصاً وقتی که مسؤلیتی در کار نباشد خیلی سهل است که ایراد بگیرد ولیکن باید در نظر گرفت که در عمل وقتی انسان وارد میشود مشکلات در عمل چیست وقتی يك کاری تازه شروع میکنند ممکن است خبط بشود از طرف دولت بنده نمیخواهم بگویم که سندیکا خوب کار کرده است یا زیاد مصرف کرده است اما ممکن است در يك مملکتی که تازه شروع برای کاری شده باشد يك چیزهایی پیش بیاید بنده از نقطه نظر خود کار لازم نمیدانم که ما حالا وارد بحث اصل قضیه بشویم ممکن است يك روزی هم موقعی برسد که صحبت کنیم راجع بان قسمتی که سندیکا گران کار کرده ، بدکار کرده کارل هم از اعضاء هیئت نظار بوده است و با وجود این بدکار شده است . اما راجع به این که میفرمایند سابقاً این شخص ارزانتر

میکرفته است و حالا زیاد تر میخواهد بگیرد بنده بشما قول میدهم که اگر شخص بنده و چه همکار محترم بنده که این لایحه را امضاء کرده اند یعنی وزیر فواید عامه اگر میتوانستیم ارزانه از این بدهیم این لایحه را نمی آوردیم اگر طرف قبول میکرد البته هر چه میتوانستیم کمز میدادیم ولی کنترات دوطرف دارد همینطور که شما بما اجازه میدهید که کنترات او را امضا کنیم او هم باید راضی باشد بالاخره حرفی که نمیزند دعوا هم که با ما ندارد میگوید آقا من امروز کار بهتری پیدا کرده ام با حقوق بیشتر اگر من را میخواهید این مبلغ را میگیرم آنوقت ما حساب کردیم که آوردن يك کسی دیگر که مدتی صرف وقت کنیم و در جریان کار وارد شود و از برای این که بکارها درست تسلط پیدا کند و کارها را استنباط کند و وقتی که برای این کار تلف میشود تمام اینها را جمع کردیم و خیال کردیم دیدیم با همین آدم اگر کنار بیائیم بهتر و مناسب تر خواهد بود حالا یکی از آقایان بمن میگفت که برو بگو ماهی هفتصد و پنجاه تومان این مسلم است عرض کردم هر قدر ممکن بود که کسر کنیم البته کسر میکردیم و الحمد لله حساب ما و آقای دشتی هم بهم نزدیک شد برای اینکه فرمودند ده هزار دلار یازده هزار دلار، دوازده هزار دلار سیزده هزار دلار چهارده هزار دلار و دیگر برای هزار تومان ماهیانه را بهم نمیزنیم (خنده حضار) این که فرمودند که هفتصد و پنجاه دلار در ماه عرض کردم آقا نتیجه بخش نیست طرف هم باید قبول کند این را باید عرض کنم که یک روزی همین لایحه با يك مبلغ کتری آمده بود به کمیسیون بودجه آقایان يك اشکالاتی کردند و خیال هم کرده بود وزیر وقت که برود ارزانه تمام کند بعد که رفتند دیدند نمی شود. بنده معهذا با اساس فضایه موافقم که هر چه پول کمتر بگیرد بهتر است ولی معذک چون او کمتر نمیگیرد خواهش میکنم موافقت بفرمائید که همین پول را بدهیم.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای دشتی را قابل توجه

میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم حقوق مستخدم مذکور ماهی هزار دلار بدون اضافه صدی پانزده داده شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آن ارادت فوق العاده بنده

آقای وزیر عدلیه باعث شده است که بار تمام وزرا را بدوش بکشد و مدافع از وزیر مالیه باشد، مدافع وزیر فواید عامه باشد، مدافع قوانین خودش هم باشد و بار فائیکه داریم معهذا آن نظریاتی که در اصلاحات مملکتی باید بگوئیم عرض کنم همینطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند که آقای وزیر فواید عامه لایحه را آوردند در کمیسیون بنده در کمیسیون بودجه بودم و لایحه نه هزار دلار بود و آن جا ما اشکال کردیم که در وقتیکه دکتر میلیس این جا بود ما قانون گذاشتیم که حقوق اینها بر تومانی باشد دیگر دلار نباشد بواسطه اینکه ما نگاه کردم وقت دلار کمتر از يك تومان بود میگویند که دلار یک تومان است و هر وقت که تومان کمتر از دلار میگفت دلار ما گفتیم که آقا این را خانم بدهید چرا ما متوجه باشیم که هر جا که بضرر ما است آن طرف را قبول کنیم و آنوقت با آقای دکتر میلیس و ما که صحبت کردیم و قرار گذاشتیم که هر دلار يك تومان باشد نه از این طرف و نه از آنطرف. مگر واقعاً که دلار نه قران و ده شاهی، هشت قران و ده شاهی آمدند يك تومان گرفتند و يك وقت هم شد که قیمتش بیشتر بود و يك تومان گرفتند ما این قرار دادیم بعد در مجلس هم مطابق این قرار رأی داده بود این را باز آمدند و بر هم زدند و پای دلار را کشیدند حالا هم که پول دلار يك مسئله شده است همین مسئله ایست که ما را مترازل کرده است

تعقیب همین چیز است که باید ما نظریاتی بکنیم این يك ایرادی است که بنده دارم که ما که قانون گذرانده ایم که حقوق اینها باید بتومان باشد و دلار نباشد چرا حالا اینطور شده است؟ این يك مسئله. مسئله دیگر خیلی حرف غربی زدند آقای وزیر عدلیه که اگر ما این را قبول نکنیم بیشتر میشود پس اگر قبول نکنیم باید بگوئیم آقای مستر کارل ما خط آهن را بشما تقدیم میکنم آنوقت دیگر با ما فرمایشی دارند؟ این شخص چه کار کرده است تصدیق بفرمائید خودتان که کاری نکرده است نقل فلان طیب است که گفت وقتی که مرضش مرده بود: نمیدانی من رنگش را زدم اگر رنگش را زرده بودم نمیدانی چه شده بود میرفت بیچشم. این هم کار هائی است که این شخص کرده است که امشب بنده دیدم در روزنامه نوشته است که پانزده میلیون از پول قند و شکر برای راه آهن رفته است این روزنامهجات ما هم که واقعاً در کارها دقت می کنند و البته درست می نویسند. این مستخدمین یازده نفر بوده اند که باسالی پنجاه هزار تومان دکتر میلیس آنها را استخدام کرد یازده نفر با سالی پنجاه هزار تومان حساب بکنید تقسیم بکنید پنجاه هزار تومان را بیازده نفر به بینید چقدر میشود دو سال هم بیشتر نیست در این دو سال چطور شد که يك دفعه از هفت هزار تومان رسید بسی هزار تومان؟ ما وقتی که وزیر لایحه را با هفتصد و پنجاه تومان آورد قبول نکردیم و گفتیم این مستخدمی که روز اول سیصد و پنجاه تومان میگرفته است چرا هفتصد و پنجاه تومان بهش بدهیم و حالا هم چون پیشنهاد آقای دشتی بیشتر بود من ناچار شدم دوازده هزار دلار کردم که مطرح شود دیدم دست هم که از دلار بر نمیدارند دلار پیشنهاد کردم عرض دیگر بنده راجع به تنظیم لایحه است نمیدانم اعضای محترم کمیسیون توجه نکرده اند که این شخص در اینجا هست. وقتیکه از امریکا آمد حقوق آمدنش را از ما گرفته است این قانون است مخارج آمدن و رفتن یعنی چه؟ این قانون را

بر دارید نگاه کنید که وقتی از امریکا آمدند یازده نفر بودند و حقوق آمدن شان را هم از ما گرفتند باز هم اینجا نوشته اند حقوق آمدن و بر کشتن در صورتیکه ما برای مستخدمینی که می آمدند يك حدی معین کردیم اگر مستخدمین فرانسوی هستند يك حقوق معین می کردیم قانوناً هم گذشته است با همان ترتیب هم مستخدمین فرانسوی را خرج سفر دادیم مستخدمین آلمان هم که آمدند برای آن ها هم يك حقوق برای خرج سفرشان معین شد حالا هم این جا بر داشته اند نوشته اند و نیز مخارج مسافرت خودشان و خانم شان از امریکا بایران از محل عایدات انحصار قند و شکر تأدیه میشود آخر چقدر ما تأدیه کنیم؟ آخر ما کمی خواهیم رای بدهیم این ورقه سفید که الان چشم بنده را کور می کند بر میدارند توی صندوق می اندازند آخر چقدر ما باید از این رای هابدهیم از عایدات قند و شکر بخت برگشته یکی صد تومان است یکی یا صد تومان است یکی هر چیزی يك تومان است یکی دوهزار تومان است برای هر چیزی يك مبلغ معین کرده اند مثل مخارج سوخت و اینها که آنها را هم با دلار معین کرده اند برای خرج سفر هم روزی چهار تومان باید بدهیم آخر اینها چه چیز است من حقیقه متأثرم که مقابلی که آقای وزیر عدلیه مدافع است ناچارم این را عرض کنم و البته در حسن عقیدت من نسبت بایشان هیچ تزلزلی پیدا نمیشود ولی من نمیتوانم روی عقیده خودم پای بگذارم و اظهار نکنم بنده عرض میکنم که این لایحه را خوب تنظیم نکرده اند این خرج آمدن و رفتن او را که نوشته اند لاقلاً معین کنید (آمدنش را که داده ایم) برگشتنش را معین کنید سیصد تومان چهار صد تومان یا صد تومان چه اندازه باید داد یکی دیگر مسئله هیجده هزار دلار دلار چه چیز است؟ فعلاً دلار (دشتی - ۱۳ قران و هفت شاهی است) بلی سیزده قران و هفت شاهی است حساب کنید این لایحه سی هزار تومان میشود راه آهن تمام شد دیگر پول داریم انشاء الله قند و شکر زیاد ترمیخوریم که این پولها را بدهیم (خنده نمایندگان) سی هزار تومان ما باید حالا بدهیم

فقط رای چه؟ دلیلش این است که يك كلمه ما حرف نزدیم و گفتیم راه آهن تمام این ضررها برای همین است.

كازرونی (مخبر) -- گمان میکنم توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند کافی بود (خنده حضار) آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان متقاعد شده باشند لکن باز هم همان مطالبی را که آقای دشتی و دیگران اظهار کردند ایشان هم تکرار فرمودند

بعضی از نمایندگان -- بلندتر بلند تر

ناصری -- بفرمائید پشت تریبون

كازرونی -- البته جوابش همین است که آقای وزیر عدلیه دادند (خنده) آقای آقا سید یعقوب می فرمایند حقوقش کمتر بود حالا زیاد تراست ما خودمان هم برای رای دادن باین مبلغ گراف فوق العاده متأثریم لکن این مبلغ را مفت که نمیدهیم جهت رفع احتیاج خودمان میدهم برای صرفه و صلاح مملکت میدهم چاره هم نداریم کار هم طرفینی است او میگوید کمتر از این مبلغ را من راضی نمیشوم میل دارید خدمت میکنم میل ندارید نزاعی با هم نداریم حالا جناب عالی چه می فرمائید؟ میفرمائید جوابش بکنیم؟ دولت میگوید کاملاً من مطالعه کرده ام که استخدام نکردن این آدم و آوردن یکی دیگر دو سال کار ما را عقب می اندازد و يك مبلغ فوق العاده زیادتری بر ما تحمیل میکنند میفرمائید چه کند دولت؟ دولت همینطور عقیده دارد. میفرمائید که ما باید بگوئیم یاو که باید. حتماً راضی بشوی؟ خیر ما حق نمکمی بر او نداریم اما در خصوص راه آهن و سندیکا و اظهار عدم رضایتی که فرمودید گمان میکنم که خارج از این موضوع باشد و در موقع خودش چنانچه آقای وزیر عدلیه فرمودند البته راپورتش بمجلس می آید و هر گفتگو و فرمایشی دارید آنوقت بفرمائید.

رئیس -- آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر؟

پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده پیشنهاد می کنم که پانزده هزار تومان کلبه حقوق مسیو کارل از هر جهت بوده باشد

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده مجبورم این مخالفت ها را بکنم از نقطه نظر اینکه همه میدانند این پول خط آهن گرفته میشود از قندو شکر و چای که غالب این را فقرا مصرف می کنند و در واقع غالب این پول را فقرا فقرا میدهند و کسانی میدهند که روزی دو قران قران عایدات دارند بنده این جا نمی توانم بنشینم و به بنشینم که در حقوق این اشخاص اینطور بلند نظرها میشود و ساکت باشم بنده عقیده ندارم که قریب س هزار تومان بکسی که هفت هزار و پانصد تومان حقوقش بوده است بدهیم میفرمایند که قبول نمی کند پس اگر لازمش داریم ممکن است که او بگوید صد هزار تومان بدهید چون ما مجبوریم که قبول کنیم اگر امسال نگفت سال دیگر خواهد گفت بنده عقیده ام این است که اگر این خط آهن را این مهندس قبول نکرد و بگذارند برود تا دوسه ماه دیگر يك نفر دیگر خواهد رسید این شخص را بگذارند برود اگر شخص قابل سی هزار تومان بود و چطور در دو سال قبل به هفت هزار تومان راضی شد و آمد بایران در ایران علم و قابلیتش زیاد شد؛ در اینجا که او چیزی زیاد نکرده چرا همینقدر فهمیده است که ما با خارجی ها خیلی با بلند نظری و بلند همتی رفتار می کنیم چیز دیگری او فهمیده است و چیز دیگری او زیاد نکرده است که تقریباً هفت هزار و پانصد تومان را به بیست و هشت هزار تومان برسانیم بنده کاملاً بختم بخصوص این زمان که از این خط آهن بی اندازه ما بوم با بودن این اتومبیلهای زیاد و آمدن اینها عقیده ام این

که بعد از اینکه دویست میلیون ما خرج کردیم و این خط آهن را دائر کردیم دوسال بیشتر این خط باقی نخواهد ماند و ازین خواهد رفت و از عهد بخارجش بر نخواهیم آمد ... (بعضی از نمایندگان -- با همه اینطور نیست)

فیروز آبادی -- مگر اینکه آب شور دریای عمان

را بار کنیم ببریم در بحر خزر و آب بحر خزر را ببریم در دریای عمان بریزیم والا بار که هیچ نداریم و اتوبوسها الان بی بار مانده اند

وزیر عدلیه -- اگر يك كلمه حرف آخر فرمایش آقا نبود بنده ساکت می ماندم و همین طور در پیشنهاد های دیگر ساکت خواهم بود و واگذار میکنم بنظر مجلس و گمان میکنم هر چه زیاد تر صحبت کنیم بیشتر وقت مجلس را میگیریم و چون يك لایحه دیگری داریم که خیلی مهمتر است و باید طرح شود اسباب تعویق آن امر میشود اما آن چیزی که بنده جواب خواهم گفت قسمت آخر حرفشان است که فرمودند دوسال دیگر این راه آهن ازین رفت این طور نیست آقا بالاخره این راه آهن از روی فکر درش اقدام شده است و کاملاً بنده خواهد بود و اگر يك نواقصی هم دارد البته درست خواهد شد و در قسمت خودش رفع خواهد شد و نباید اسباب یأس مردم را فراهم کرد (صحیح است)

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر:

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد میکنم قسمت آخر ماده بطریق ذیل نوشته شود:

از قرار پانزده هزار دلار حقوق سالیانه و صدی پانزده حقوق مزبور بابت مخارج سکونت و سوخت و روشنایی

استخدام نباید بعلاوه سه هزار تومان بابت حقوق گذشته به مشارالیه تأدیه شود و برای مخارج مسافرت در ایران روزی چهار تومان مقطوع الی آخر ماده

رئیس -- آقای فهیمی.

فهیمی -- عرض کنم آقایان از ترتیب راه آهن خیلی تنقید کردند مخارجی شده است و افراط و تفریط هائی شده است اما انقدر که اغراق فرمودند نیست مثلاً آقای دشتی فرمودند خانهای يك نفری را بیست و چهار هزار تومان ساخته اند در صورتیکه از قسمت های خوب کار راه آهن همان ساختن خانه ها بوده است که خیلی ارزان و خوب ساخته شده است البته در قسمت های دیگر هم هست که خوب کار کرده اند (دشتی -- خانه يك نفری بیست و چهار هزار تومان ارزان است؟!)

در ظرف یکسال ده ماه بازده يك مقدار زیادی هفتاد فرسخ در شمال و جنوب راه آهن کشیده شده است و پانزده میلیون هم خرج شده است و این پولها هم دور ریخته نشده است و با توجهاتی که هست اسباب امید وازی است که بالاخره بر خلاف نظریه آقای فیروز آبادی راه آهن به آخر میرسد و ما هم با ید تعقیب کنیم ببینیم چقدر خرج شده است و مطابق قانون مصوبه بمجلس دولت باید قبل از مخارج آنها را ببیند که چقدر شده است و بعد آنها را بمناقصه بگذارد و این عملی است که دولت دارد میکند پس در اینجا انقدر هم تنقید لازم نیاید اما راجع بحقوق این شخص در صورتیکه آقای فیروز آباری پانزده هزار تومان پیشنهاد کنند بنده عرض میکنم دیگر سی هزار تومان هم کم است و باید بیشتر کرد زیرا که سخاوت آقا تا این درجه رسیده است (فیروز آبادی -- از روی لایب است) در اینجا اگر خاطر آقایان مسبوق باشد این است که وقتی که ما آمدیم مسر کارل را برای مهندسی راه آهن استخدام کردیم با نه هزار تومان بود و بعد پارسال در موقعی که خواستند کمزرات او را تجدید کنند خواستند دوازده هزار تومان بدهند و ما گفتیم که بلکه او را بده هزار

تومان راضی کنید بعد راضی نشود سه هزار تومان علاوه دادند که دوازده هزار تومان شد بعد هم امسال آمدند سه هزار دلار اضافه کردند که جمعاً میشود پانزده هزار دلار ضمناً یک سه هزار دلار هم این جا گذارده شده که آنرا برای آتیه خواسته اند بچشم ما بکشند یعنی بیک نفر مستخدم ما سالی سه هزار دلار اضافه حقوق میدهم ترتیب اضافه دادن به مستخدمین خارجی یک ترتیب معینی است اگر سال اول هفت هزار و پانصد تومان بوده است سال دوم هم باندازه نصف آن حقوق ممکن است اضافه داد که ده هزار و پانصد تومان میشود البته مستر کارل یک مستخدم خوبی است و بنده کاملاً از رسیدگی او در کارها اطلاع دارم اما باید برای حقوق او هم یک ترتیب قائل شد و بنده امید وارم که برای کمترت او دیگر تقاضای اضافه نکنند یا او اگر تقاضای اضافه کرد مطمئن باشیم که لا اقل دیگری هم هست که این کار را به او واگذار کنیم. در این جا مطابق توضیحی که آقای وزیر عدلیه دادند حقوق او پانزده هزار دلار است و مخارج هم که باو داده میشود صد پانزده هزار دلار خواهد بود نه صد پانزده هیجده هزار دلار این مبلغ سه هزار دلار هم بابت طلب گذشته او است ولی بطوریکه در ماده نوشته شده این طور مفهوم میشود آن صد پانزده از هیجده هزار دلار است باید محسوب شود در صورتیکه از پانزده هزار دلار باید حساب شود بنده برای توضیح مطلب پیشنهاد کردم که نوشته شود پانزده هزار دلار حقوق و صد پانزده هم از پانزده هزار دلار هم برای مخارج و سایر چیزها داده شود سه هزار دلار هم بابت مخارج گذشته او و در حقیقت همان نظریه دولت است با توضیح این قسمت که صد پانزده را از هیجده هزار دلار حساب نکنند و از پانزده هزار دلار حساب شود.

وزیر عدلیه - یک مرتبه دیگر این پیشنهاد قرائت شود (بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - سه هزار تومان یا دلار؟
فهمی - دلار.

وزیر عدلیه - در صورتیکه دلار باشد بنده موافقت میکنم
رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است:
پیشنهاد آقای اعتبار

ماده واحده را بشرح ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم
ماده واحده - وزارت فوائد نامه مجاز است مستر س. ح. کارل مهندس تبعه دولت متحده آمریکا را برای مدت یکسال از تاریخ هشتم دیماه ۱۳۰۸ لغایت ۷ دیماه ۱۳۰۹ با استفاده یک ماه مرخصی از قرار پانزده هزار دلار حقوق سالیانه و صدی پانزده حقوق مزبور بابت مخارج سکونت و سوخت و روشنائی استخدام و بابت مخارج مسافرت مشارالیه در ایران از قرار روزی چهار تومان مقطوع و نیز سه هزار تومان از بابت طلب گذشته اعتبار - سه هزار دلار.

(بقیه پیشنهاد اینطور خوانده شد)

و سه هزار دلار از بابت طلب گذشته او و علاوه هزار تومان بابت مخارج مسافرت خود و خانمش از ایران با بزرگوار از محل عایدات انحصار قند و شکر تأدیه نمایند.
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده پیشنهادی که کرده ام همان پیشنهاد آقای فهمی بود فقط خرج سفر را در آن جا نکرده اند که چه مبلغ است برای سایر مستخدمین آمریکا که از آنجا آمده اند بیش از هزار تومان قائل نمیشوند این را هم بنده خواستم عرض کنم و معلوم شود که بیش از هزار تومان نباشد سایر قسمتهای پیشنهاد بنده همان پیشنهاد آقای فهمی بود بنده با آن موافقت میکنم در قسمت هزار تومانش آقایان موافقت بفرمایند که ماده کاملی شده باشد

وزیر عدلیه - بنده خیال میکنم که آقای هم موافقت

فرمودند که قسمت اول پیشنهاد شان موافق پیشنهاد آقای فهمی باشد بنده هم موافقت میکنم ولی در قسمت آنی که معلوم کردید خرج مسافرت را بنده نمیتوانم موافقت کنم برای این که خرج مسافرت یک چیز معینی نیست و چطور میشود معین کرد ولی بالاخره معلوم است که چه مقدار پول اتومبیل داده اند از سرحد این جا و چه قدر خرج دیگر کرده اند و خرجش معین است و از این مقدار گمان نمیکند بیشتر بشود پس خوب است آقای هم موافقت بفرمایند و پیشنهاد شان پس بگیرند

اعتبار - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر:

پیشنهاد آقای طاهری

مقام منبع ریاست دامت شوکته:

پیشنهاد میشود چون مستر کارل در ایران است فقط مخارج مراجعت برای مشارالیه منظور شود.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در لایحه نوشته شده است مخارج سفارت از امریکا بایران و مراجعت از ایران بامریکا داده میشود در صورتیکه این شخص حالا مدتهاست در ایران است و فقط یک خرج مراجعتی باید معلوم کرد و لابد آقای وزیر هم موافقت میکنند.

وزیر عدلیه - بنده موافقم با این پیشنهاد که فقط مراجعت بایشان داده شود و لازم است توضیح داده شود.

رئیس - پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم مخارج معاونت ایشان بامریکا سیصد

تومان داده شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - چون نظر بنده هم همان نظری بود که آقای دکتر طاهری تأمین کردند و حالا هم اگر مقدماتش را معلوم کنیم شاید بهتر باشد معهذا موافقت میکنم و پیشنهاد خودم را مسترد میدارم.

وزیر عدلیه - تشکر میکنم.

رئیس - آقای میرزا یانس و طالبخان هم گویا منظور شان بعمل آمد برای این که میل داشتند مابین حقوق و طلب تجزیه شود.

میرزا یانس - بی تأمین شد.

رئیس - رأی میگیریم به ماده واحده با اضافه پیشنهاد آقای دیبا و آقای فهمی و اصلاح پیشنهادی آقای طاهری موافقتین ورقه سفید خواهند داد

اعتبار - و تبصره آقای دیبا.

رئیس - ذکر کردم.

یاسائی - بنده اخطار دارم.

رئیس - بفرمائید.

یاسائی - میخواستم عرض کنم که پیشنهادها را مخبر قبول نکردند.

رئیس - (خطاب به آقای مخبر) - آقا قبول نکردید؟

کازرونی (مخبر کمیسیون بودجه قدیم) - چرا بنده قبول کردم.

(اخذ و شماره آراء بعمل آمده شصت و شش ورقه سفید و یک ورقه کبود تعداد شد)

رئیس -- عده حاضرین ۹۸ با کثرت ۶۶ رای
تصویب شد *
[۴-] تقدیم و تصویب لایحه راجع به تفتیش و نظارت
در خرید و فروش بروات و نقود خارجی]
وزیر مالیه (میرزا حسنحاج، شار) لایحه ایست
راجع بتفتیش و نظارت در خرید و فروش بروات و نقود
خارجی تقدیم میکنم و با قید دوفوریت تقاضای تصویب
آنها میکنم.
رئیس - قرائت میشود :

ساحت محترم مجلس شورای ملی
البته نمایندگان محترم کاملاً متوجه مضرات تزلزل پول مملکت
و ترقی اسعار خارجی بوده و از علل متعدد آن اطلاع دارند.
برای جلوگیری از تضرات ملی مطالعات زیادی بعمل
آمده است که قسمتی از حاصل آن مطالعات باید بلا تأخیر
موقع اجرا گذارده شود و قسمت دیگر بتدریج تا بمقصود اصلی
که تثبیت پول مملکت است و ایجاد وضعیت مناسب تأدیه که آن
خود نتیجه فوق صادرات ب واردات است نائل شویم.
یکی از شرائط حتمیه جلوگیری از تزلزل پول ایران
که باید فوراً عملی شود تفتیش و نظارت موقتی دولت
در خرید و فروش اسعار خارجی است. برای تأمین
این منظور لایحه ذیل تقدیم و با قید دوفوریت تصویب
آن تقاضا میشود.
ماده ۱ - حق معاملات مذکور در این قانون موقه
منحصراً بدولت و بانکهای خواهد بود که مطابق قوانین

و نظامات در ایران مقیم بوده و بر طبق مقررات این
قانون عمل کرده و در کمیسیون نرخ اسعار مذکور در
ماده (۳) عضویت پیدا کنند. دولت مکلف اسباب
معاملات مربوط با اسعار و نقود خارجی از هر بانکی است
که معامله بر خلاف مقررات این قانون نموده یا از آن
نمایند در کمیسیون نرخ اسعار خود داری کند
تبصره - دولت میتواند بتجارت خانهائی که در
دفاتر قانونی منظم باشند و تبعیت از مقررات این قانون
را تعهد کنند جواز معاملات فوق را بدهد ولی در
مورد این اجازه بر حسب تصویب نامه مخصوص هیئت
وزراء خواهد بود

ماده ۲ - عملیات ذیل ممنوع است
۱ - خرید و فروش و اقاله و بطور کلی هر
معامله راجع با اسعار و نقود (اعم از نقود فلزی یا کاغذی)
خارجی اعم از اینکه بطریق انتقال تسکرافی یا طریق دیگر
بشکل برات تجارته یا نوشته اعتبار یا چک یا هر
اوراق تجارته دیگر باشد بشرخی غیر از نرخ مقررات
کمیسیون نرخ اسعار
۲ - تسلیم اسعار و نقود خارجی بهر صورت و بطریق
که باشد بدون اجازه کمیسیون تفتیش مذکور در ماده
۳ - جمع آوری و احتکار اسعار یا نقود خارجی
۴ - خرید و فروش نقود و اسعار خارجی بقدری
تزلزل دادن تصنعی قیمت آنها
۵ - نقل و تحویل پول ایران از خارجه بایران
محاسبه در دفاتر بدون اینکه در مقابل آن واقفان

آقایان : دکتر ملک زاده - مهدوی - نجومی - فرمند - دکتر سنگ - مؤید احمدی -
لاریجانی - شهداد - دبستانی - اقبال - قاضی نوری - زرک نیا - صادقی - امیر ابراهیمی - بیات ماکومی - دکتر
ظفری - مصباح قاضی - ملک مدنی - فهیمی - زوار - سهرابخان - آکتابان - طاهری - جلالی - نوبخت - مجد ضیائی - طباطبائی و
فتوحی - مهدوی - مقیم - موفر - عدل - فولادوند - محمد علی میرزا دولتشاهی - امیر تیمور - دریائی - حکمت - محمد
حیدری - میرزا عبدالحمید خان دیبا - یاسائی - مرآت استعدیاری - آقا سید حسین آقاییان - اعتبار - رفیع - بیات - میرزا
اسعد - دهستانی - آزادی - احتشام زاده - ایلخان - ناصری - رحیم زاده - مفتی - طالبخان - امیر دولتشاهی - امیر
طباطبائی دیبا - غلامحسین میرزا مسعود - بنکدار - روحی - کبا نوری - اسدی - حاج سید محمود
غالب - آذی فیروز آبادی .

اسعار خارجی تسلیم شود و بطور کلی هر نوع عملی که با
قصد تقلب برای فرار از انجام مقررات این قانون باشد.
۶ - قرض دادن یا استقراض باعتبار نقود یا اسعار
یا اوراق بها دار دیگر خارجی بدون اجازه مخصوص
کمیسیون تفتیش
۷ - نهانیکه موضوع آن یکی از اسعار خارجی و
مربوط بمنافع اشخاص مختلف باشد بهر عنوان و غلی که
بعمل آید
۸ - وارد کردن نقره خواه بشکل مسکوک خواه به
اشکال دیگر باستثناء اشیاء نقره زرگری شده
۹ - صادر کردن طلا بهر صورتیکه باشد
۱۰ - صادر کردن نقره باستثناء نقره زرگری شده هر
مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن نقره مسکوک
خواهد داشت.
۱۱ - صادر کردن اسکناس ایران مگر در حدودی
که قوانین و نظامات اجازه بدهد
۱۲ - اجرای معاملات بانکی راجع بیول ایران
بصورت محاسبه در دفاتر از ایران بخارجه بدون اجازه
مخصوص کمیسیون تفتیش.

ماده ۳ - برای تعیین نرخ خرید و فروش اسعار و
نقود خارجی در طهران و تعیین نرخ آنها در ایالات و
ولایات کمیسینی باسم کمیسیون نرخ اسعار در طهران تشکیل
خواهد شد هر ک از :
۱ - بکنفر نماینده وزارت مالیه .
۲ - بکنفر نماینده وزارت اقتصادیات که تشکیل
خواهد شد
۳ - بکنفر نماینده اداره گمرکات
۴ - مفتش دولت در بانک ملی
۵ - یک نفر نماینده از طرف هر یک از بانکهای که مطابق
قوانین و نظامات در ایران مقیم بوده و اجرای مقررات این
قانون را بعهده بگیرد
امتناع هر یک از بانکهای فوق الذکر از قبول شرکت
در کمیسیون و همچنین عدم حضور نماینده هر یک از آنها

در کمیسیون و همچنین عدم حضور نماینده هر یک از آنها

در جلسات مانع تشکیل کمیسیون و اتخاذ تصمیمات مقتضیه
نخواهد بود
تصمیمات کمیسیون با کثرت آراء حاضرین اتخاذ
میشود .
نظامنامه های مربوطه ب کمیسیون را هیئت وزراء تصویب
خواهد کرد .

ماده ۴ - کمیسینی موسوم به کمیسیون تفتیش مرکب
از پنج نفر که هیئت وزراء انتخاب خواهند کرد در
طهران تشکیل میشود . وظیفه این کمیسیون رسیدگی
بتقاضا نامه هائی است که هر کس مشتری اسعار و نقود
خارجی است باید قبلاً بدهد . کمیسیون بشرط تصویب
هیئت وزراء و در حدودی که هیئت معین خواهد کرد
میتواند برای اعمال حق رسیدگی فوق الذکر بیک یا چند
موسسه بانکی وکالت بدهد . در اینصورت موسسات بانکی
فوق مکلف هستند کاملاً مطابق تعلیمات کمیسیون تفتیش
عمل نمایند . خرید اسعار و نقود خارجی را فقط در
حدود احتیاجات واقعی و موجه اجازه میتوان داد .
در جواز خرید اسعار اسم خریدار باید ذکر شود .
بدون اجازه کمیسیون هیچ جوازی قابل انتقال بغیر
نخواهد بود . فروش اسعار و نقود خارجی بدون جواز
کمیسیون یا جواز بانکی که از طرف کمیسیون حق دادن
جواز دارند ممنوع است

بانکهای مجاز در معاملات اسعار و نقود خارجی میتوانند
در موارد فونی تا معادل دو هزار قران اسعار و نقود
خارجی بفروشند مشروط بر اینکه از خریدار دلایل کتبی
فونی بودن تقاضا را اخذ نمایند و بانکها مکلف هستند دلایل
کتبی فوق را باسرع اوقات ب کمیسیون تفتیش برسانند . کمیسیون
تفتیش نظر بوضعیات بازار اسعار قبول تقاضاهای مربوط
به تحصیل اسعار را اجازه داده یا بتأخیر خواهد انداخت .
ماده ۵ - دارندگان اسعار و نقود خارجی مکلفند
دولت یا بانک را که برای این موضوع ا طرف
دولت معین شده از مقدار نقود و اسعاری که دارند
مطلع نمایند . هر فروشنده اسعار و نقود خارجی مکلف

است خرید اسعار و نقود خود را بدولت یا بانکی که دولت معین کرده پیشنهاد کند. دولت یا بانک مذکور باید تصمیم خود را راجع به خرید یا عدم آن بلافاصله بفروشنده اعلام نمایند.

خرید به نرخى که برای اسعار از طرف کمیسیون نرخ اسعار معین شده بعمل خواهد آمد.

هرگاه دولت یا بانکی که برای این عمل از طرف دولت معین شده امتناع از خرید نمود بانکهای که در کمیسیون نرخ اسعار عضویت دارند و اسعار و نقود خارجی را پس از امتناع دولت یا بانک فوق‌الذکر تحصیل کرده اند در موقع فروش مکلف نیستند خرید آن اسعار یا نقود را بدولت یا بانک نماینده دولت پیشنهاد نمایند مگر آنکه از روز تحصیل اسعار و نقود خارجی تا روز فروش پیش از ده روز گذشته باشد.

ماده ۶ - بانکهای که مطابق این قانون اجازه معامله اسعار و نقود خارجی را پیدا میکنند مکلف هستند کلیه معاملات خود را راجع باسعار و نقود خارجی در دفاتر مخصوصی که مطابق مقررات قانون تجارت صفحات آن نمره و امضاء شده باشد بلافاصله پس از معامله ثبت نمایند. مفتشین دولت در هر موقع میتوانند در دفاتر مذکور تفتیش نمایند. مدخل این دفاتر را ممکن است کمیسیون نرخ اسعار معین کند.

ماده ۷ - متخلفین از مقررات مواد ۱ و ۲ و ۴ و ۵ این قانون (جرم - شرکاء و معاونین) بطور تضامنی معادل مبلغی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده محکوم به تادیه جرمه خواهند شد. این امر مانع نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متخلف بمجازات مقرر در آن قوانین نیز محکوم گردد. پرداخت جرمه مستخدمین و اجزا و مؤسسات بانکی و تجارتنی بمعهده مؤسسه یا بانکی خواهد بود که متخلف از اجزاء آن بوده مشروط بر اینکه من حیث شغلی که در مؤسسه یا بانک داشته

مرتکب جرم شده باشد

تبصره - بکشافین تخلف کنندگان از این قانون سی در صد از جرائم مأخوذه پرداخته خواهد شد.

ماده ۸ - این قانون در طهران سه روز پس از تصویب و در ایالات و ولایات ۱۵ روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود

رئیس - فوریت اول مطرح است. آقای شریعت‌زاده شریعت‌زاده - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - خیلی متأسفم خدای من شاهد

و گواه است گمان نمیکنم در این عرضی که می‌کنم کمال خیال کند که خواسته‌ام يك خود نمائی کنم. از دور چهارم چنانچه در دفاتر مجلس ضبط است وقتی که کابینه قوام السلطنه تشکیل شد و برکرام کابینه آمد مسئله اسباب تجملی و زیادتی واردات بر صادرات در مملکت مطرح شد اول کسی که این مسئله را تعقیب کرد و اظهار کرد بنده بودم اگر هستند از کسانی که در دوره چهارم هم بوده اند گمان میکنم در نظر داشته باشند اگر نظر نداشته باشند خود دفتر را که مجلس این مسئله را نشان میدهد. همینطور دوره پنجم. حقیقتاً دوره پنجم یکی از دوره‌های تاریخی مجلس و این مملکت بود و يك رئیس الوزرا عالی داشتیم که حقیقتاً قدمهای بزرگی مکرر در حضورشان گفته میشد که مسئله زیادتی صادرات بر واردات بعضی از نمایندگان - واردات

آقا سید یعقوب - اشتباه شد شما عفو بفرمائید باشد زبان مختصری زیادتی واردات بر صادرات يك چیز است و باندازه ایست که مملکت ما را بکلی فنا میکند همین جور در دوره ششم تا دوره هفتم مکرر در این صحنه صحبت شد نمیدانم این ماه اسفند چه ماه بدی نه

هم پارسال و هم امسال در ماه اسفند پارسال بود که آن قانون جواز آزادی نقره در ایران بمجلس آمد و همه نامهند که در این جا بنده بودم و آقای کازرونی و بوشهری بودند که فریاد زدیم که اجازه ندهید نقره در مملکت آزاد باشد راپورت‌های کمیسیون که در هندوستان تشکیل شده است نسبت به نقره نگاه کنید که آنها چه جور می‌خواهند از مملکت خودشان خارج کنند نگذارید پول اساسی ما نقره است - نقره را آزاد نگذارید و بگذارید این نقره بمنزله جنس شود و هر چه که این جنس زیادتر شود پول ما تنزل میکند و ما زبان می‌بریم نشد. که نشد. همین جور که می‌بینید دیگر نفد! همین ترتیب آمدند رأی دادند با آب فریاد و فلان. یکی یکی از آقایان می‌رفتند بیرون تصدیق میکردند و می‌گفتند کاشکی يك گمرکی برایش معین کرده بودیم و فرار میدادیم که ضرب این را در ضرابخانه هر ناجری که می‌آورد يك حقیقی بدولت بدهد. هر کدام از آقایان را که در خارج میدیدیم این نظر را داشتند ولي بالاخره آن رأی داده شد. و این مسئله کم کم باعث شد. از طرف دیگر این کار هائی که ما میکنیم و هی خرابان خراب میکنیم و مغازه درست میکنیم خوب مغازه که درست شد ذغال فروش که در آنجا می‌رود؟! در آنجا باید عطر از کجا، مشاطه از کجا، فلان اسباب تجملی از کجا می‌آید؟! از اول دروازه حضرت عبدالعظیم تا دروازه شمیران تمام مغازه درست شده. چه چیز و چه مشوق بالاتر از این برای واردات است. چه ترویجی بالاتر از این است که هی خانها را خراب کنیم و مغازه درست کنیم. آنوقت در این مغازه ها غیر از عطر و مسواک (خنده حضار) و آن چیز هائی که بنده هنوز درست نمیدانم دیگر چه خواهد بود؟ این هم یکی از خدمت هائی است که ما بامتعه خارجی میکنیم....

افسر - مغازه ماست فروشی هم هست - (صدای زنگ)

آقا سید یعقوب - خدا غیرت بدهد. آقا شما یکی از رکلاهی قدیمی هستید که بنده امیدوارم در این موردی که این سیل غریب آمده خیلی مساعدت کنید. و نظر همه ما ها این است که بجهت شوم برای این جنگ. این يك جنگ اقتصادی است و در مقام عمل تمام ما ها باید بجهت شوم و در مقابل این بلائی که به مملکت آمده ويك وقتی استقلال مملکت را متزلزل میکند امروزه باید همه بجهت شوم و فکری کنیم. امروز روزگريه و بدبختی است نه روز خنده و شادی. ما باید در مقابل این سبلی که آمده است و دارد هستی ما را از بین میبرد و نابود میکند همه بجهت شوم. بی ماست فروشی هم شده است. این يك موضوع. موضوع زیادتی واردات بر صادرات و از بین رفتن صادرات ما که مکرر هم در این جاسجبت شده است. بنده هنوز در این موضوع وارد نشده ام و در مواد وارد نشده ام صحبت در فوریتش است. يك موضوعی که در ده سال مجلس ووزرائی که بودند و کابینه هائی که تشکیل میشده یکی بر یکی گذرانده است و همه تجار صحبت کرده اند و هنوز بجائی موفق نشده اند فوراً يك لایحه بقید فوریت آورده اید می‌خواهید بگذارید!! آقا محضاً لله ما هم عضو شما هستیم. مجلس با دولت مساعی مشترک دارد. همین طوری که شما خودتان يك ماه دو ماه است زحمت می‌کشید اکثریت مجلس هم با شما موافق است. بگذارید این لایحه برود در کمیسیون در آنجا دو مرتبه می‌ایم و صحبت میکنم بنده بعضی نظریات دارم. يك موضوعی است که پادشاه مملکت. مجلس و مردم مملکت همه علاقه مندیم و يك موضوعی نیست که بگوئیم دولت خدای نخواستہ خواسته کسی را خفه کند یا آزادی کسی را ببرد. بنده میگویم آقای وزیر عدلیه شما که نقشه تان و کارتان مطابق قانون است و هر قدیمی که بر میدارید مطابق قوانین اساسی است چیز هائی که باید تحت شور و مشورت باشد ويك لایحه بین

معظمی که در این ده سالی که مملکت رو به ترقی رفته همیشه در این جا صحبتش شده است آیا اقتضا دارد که در شب ماه رمضان ساعت پنج از شب گذشته چشم بسته و گوش بسته با قید دو فوریت رأی بدهند؟! بنده خواهش میکنم که مجلس موافقت بفرماید که این لایحه برود به کمیسیون. ما کمیسیون مالیه داریم کمیسیون فوائده عامه داریم. کمیسیون بودجه داریم بعضی از مواد این لایحه راجع به کمیسیون عدلیه است. ما کمیسیون عدلیه داریم نمی خواهیم باین کمیسیونها برود خود دولت تقاضا کند یک کمیسیون مخصوصی را. تصدیق کنید که بنده کاملاً موافق هستم با نظر مقدس شما که برای اصلاح مملکت باید قدم برداریم اما چه شده است که فقط برای شما وقت باشد در مطالعه کردن غیر از اینکه دیروز روزنامه ایران این لایحه را منتشر کرد و امروز گیر بنده آمده. ما هم شریک و رفیق شما هستیم بگذارید اگر این لایحه انشاء الله نفع دارد همه شریک باشیم و اگر خدای نخواستہ ضرری دارد چرا ما بگوئیم که آقای وزیر عدلیه این وزیر مجرب آمد در یک شب فوریتش را تقاضا کرد و گذراند. پس خوب است اعضاء مجلس همراهی کنند و فوریتش را بردارند و دولت یک کمیسیون دوازده نفری نه یک کمیسیون شش نفری نه مختلط از کمیسیون مالیه و فواید عامه تقاضا کند که این لایحه برود به آن کمیسیون چون بنده اطلاع دارم که نظریات همه متوجه این مسئله است. نظریات همه اهالی شهر هم متوجه است. این یک کاری نیست که بنده بگویم متخصص و الله متخصص نیستم و میدانم. اما برای این که خلاصه این مسئله از هیئت وزراء بیرون آمده و وجود خارجی پیدا کرده و نمایش پیدا کرده است بگذارید در مملکت هم اخبار و افکار همایتان باشد. شما خودتان یک آدمی هستید و میدانید که هر قانونی که افکار عمومی همراه آن باشد و نظریات مردم در اطراف او باشد آن قانون بهتر اجرا میشود کی میتواند در مقابل این قدرتی که

شما دارید با قانون شما مخالفت کند؟ دوره شما در عمل است الف و ب نیست قانونی که در این جا گذشت عمل است و فوری اجرا میشود کی میتواند تخلف کند این است که بنده با لسان استدعا هم از مجلس و هم از آقای وزیر عدلیه که کاملاً عملیاتشان بر طبق قوانین مقدسه اساسی است تقاضا میکنم که یک کمیسیونی تشکیل شود که این برود در آن کمیسیون و ما هم میزیم در آن کمیسیون و ما هم اگر نظریاتی داریم در آن جا اعلام میداریم. تجار غیر تجار هر کس هر نظری دارد در آنجا بدهد. از این جهت بنده عرض میکنم با فوریت این مخالفم و این هم دلیل مخالفتم است و تقاضا میکنم که برود به کمیسیون (فیروز آبادی -- صحیح است) وزیر عدلیه (آقای داور) -- اگر نماینده محترم لطف میکردند و در سرفضیه پانزده هزار دلار و هیجده هزار دلار کمک نمیکردند بر اینکه وقت مجلس دو ساعت تلف شود در صورتیکه میدانستند این لایحه خواهد آمد آنوقت نمی گفتند که ساعت پنج از شب است. شب ماه رمضان است ساعت سه از شب است آقا ممکن است تا سحر بنشینند و کار کنند ماها شبها تا دو بعد از نصف شب نشسته ایم آقا هم یک شب این کار را بکنند اگر برای مطالعه است بنده لازم است یک توضیحی در این جا بدهم و در واقع راجع است به قسمت اول فرمایشی که کردند و آن این بود که آقا فرمودند دوره چهار باین طرف مکرر این صحبت را میکردند که صادرات و واردات مملکت با هم تعادل نمی کند و بواسطه زیادتی واردات بر صادرات این مملکت در بحرابی است چون موهومات اقتصادی نباید در مملکت ریشه بکنند و اتفاقاً این قضیه هم وارد یکی از موهومات اقتصادی میشود و هر وقت این موهومات اقتصادی در جامعه جاگیر شد بالطبع آثاری پیدا میکند که اهمیت آن آثار از نقطه نظر اصول نظر است. این است که بنده ناچار هستم که در این جا توضیح بدهم و عرض کنم که اگر پارسال بیک دلالتی که پیدا شده و روشن است و ضمیمه

سایمان یعنی واردات و صادرات پولمان نه صادرات و واردات سرحدی مان یک قدری تا مساعد شده دلیل بر این نیست که سالهای پیش هم این طور بوده است و بطور قطع وضعیت اقتصادی ما از نقطه نظر صادرات و واردات پولی و حسابی یک وضعیت بسیار خوبی بوده است هیچ تصور این را نباید کرد که در جمع ارقام حسابیه گمرکی که نگاه میکنید در سال ۳۰۸ سی میلیون بود در واقعاً خیال کنید که از بیست سال پیش از این شما دارید سالی سی میلیون یا سی و هشت میلیون بارجه میدیدید؟ بنده نمیخواهم وارد این جزئیات شوم مخصوصاً در این جا کنفرانس بدهم بجهت اینکه در بعضی جزئیات بعضی اشخاصی این مسئله را خیلی خوب نوشته اند ولی عرض میکنم که اگر بنا میشد بطور کلی این فرض شما را قبول میکردیم آنوقت معنیش این بود در فاصله این بیست ساله که حد وسط سالی سی میلیون بود داشته ایم چهار صد میلیون پول بخارجه فرستاده ایم صورتیکه نه معدن نقره داشتیم و نه معدن طلا و این و طلا را هم از خارج خریده ایم و آورده ایم اینجا می از دلالت این مسئله این بوده است که وضعیات سالی پولمان با پول خارجه تا سالهای پیش خیلی خوب بود آقا. پس آن جائی که نتیجه یک همچو فکری است میفرمائید که مثل آقای آقا سید یعقوب کسی که خیلی شجاعی هستند میگویند که حالا روزی است که باید به بکنیم اگر شما این فکر را نداشته باشید یک همچو یک نثری هم پیدا نمیکردید و نمی گفتید که باید گریه کرد. برای اینکه نماینده یک ملت هیچوقت گریه نمیکند (صحیح است) ملت هم گریه نمیکند. ملت کار میکند می کند تا قوه خودش را زیاد کند و ننه من غریب نمیکند این چه حال یاسی است که بر ما دست داده این در نتیجه همان فکر است که باید یک همچو حال پیدا کنیم عرض میکنم امسال بیک دلالتی که در آن خودشان بهتر از من میدانند که اولاً از یکطرف ناچار شدیم مبلغ زیادی بخارجه بفرستیم برای خرید

نمی‌توان در نظر داشت. و چنانچه عرض شد این يك دواي مسكنی برای در دست داشتن بازار اسعار برای این که اشخاصی با بازی و با وسایل صرافي بیایند و نرخ را گاهی بالا و پائین ببرند باین معنی بنده کسه امروز دارای يك مبلغی پول هستم بحیال این نیفتم همینکه دیدم لیره دارد بالا می‌رود پولم را يك مقدار لیره بخرم و کنار بگذارم و بعد از بیست روز دیگر که قیمتش بالاتر رفت بفروشم برای اینکه از طرف دیگر بنده که يك پولی دارم مضطرب شوم و بگویم لیره باین ترتیب که ترقی میکند سال آتی ممکن است خیلی بیش از اینها بشود پس امسال بیایم و نقره و قران خودم را بدل به لیره بکنم و بدین واسطه يك مقدار لیره ذخیره کنم. ما برای اینکه در حدود يك احتیاجاتی که به بینیم خیلی ضرورت دارد و می‌توانیم آنرا عقب بیندازیم و اجازه ندهیم و بگوئیم عجلتاً این مال التجاره را اگر امروز شما نیاورید اهمیتی ندارد و چندان لازم نیست نمی‌گوئیم منع میکنیم آزادی را. ولي يك مملکتی که اسعارش خوب نیست حق دارد بگوید که فلان شیئی و فلان شیئی که در درجه اول ضرورت نیست تأمل کنید چند ماه بعد بیاورید برای اینکه از این اقدامات جلوگیری کنیم و نگذاریم بواسطه تقییش قیمت اسعار خارجی بالا برود و نگذاریم مردمی که پول دارند بواسطه اضطراب خودشان پولشان را ببرند و لیره بخرند و موجب بالا بردن قیمت لیره بشوند بواسطه اینکه يك عده که می‌بینند اسعار دارد بالا می‌رود می‌روند و اشیاء تجملی و غیر ذلك سفارش میدهند و برای بعد بروند لیره بخرند برای این کار اقدامات شده و يك اقدامات اساسی دیگری هم شده و در يك قسمت لواجش تهیه شده و می‌آید این جا و آقایان ملاحظه خواهند کرد و البته موافقت خواهند نمود. و بعد هم يك پرگرام اقتصادی که البته زمان و وقت لازم دارد و هر روزی که شروع کنیم دو سال بعد نتیجه خواهیم گرفت پس بنا بر این هر چه زودتر شروع کنیم زودتر به نتیجه خواهیم رسید حالا آمدیم در این قسمت ممکن است يك نظری باشد

و آن این است که بفرمایند بما چون شما وقت صرف کردید نشسته اید خودتان با يك عده اشخاص متخصص نشستید و ساعات زیاد مشورت کرده اید و بحث کرده اید و بالاخر این لایحه را تهیه کرده اید حالا هم خوب است بمانند بدهید که در این خصوص فکر کنیم بنده خیال میکنم که این نظر فایده زیادی ندارد ولی تأخیر آن ضرورت زیادی دارد که آنرا عرض میکنم و اکثریت قضاوت کند اما اینکه فایده ندارد برای اینکه در جزئیات این لایحه بقدری که ممکن بود نشست و صحبت کردیم و بحث در آن شده (صحیح است) و نظر میدهم که در این خصوص تمام مذاکرات لازم باشد آمده و حتی عده از آقایان که در مجلس تشریف دارند و در عمل تجارت بوده‌اند و همینطور با آقایانی که در مجلس بوده‌اند مذاکره شده و با اکثریت هم مذاکره شد و در آن شبی هم که موافقت کردند بنامند مذاکره کنند آمدند و در هیئت وزراء مذاکره کردند در يك قسمت ما آنها را قانع کردیم و در يك قسمت هم ایراداتشان يك ایراداتی نبود که بتوان قبول کرد در هر حال بنده نمی‌دانم که عناصر تازه در این جایگاه که اطلاعات تازه بدهد بیش از آنکه هیئت دولت با نظر منصف خودش و با مشورت طولانی توانسته است روی کاغذ بنامند پس بطوریکه ملاحظه میفرمائید چندان فائده ندارد ولی ضررش این است که هر چه از این ساعت بگذرد شود اشخاصیکه آن کار هائیکه ما میخواهیم از آن جلوگیری کنیم میکنند آنها عجله خواهند کرد و آنوقت این قسمت اسعار بجائی خواهد رسید که ما نمیدانیم بجا نرود خواهد شد. پس هر قدر بشود باید این قبیل کارها زودتر کرد و طوری سرعت بشود که مجالی نباشد از همان اشخاصی که شما از کارهایشان میخواهید جلوگیری کنید آنها نباید مجال داشته باشند که يك کارهایی که نتیجه که شما میخواهید از قانون بگیری آنوقت نخواهد شد. حالا اگر فرض میکردید که ممکن بود دولت این را خیلی زودتر از این ها تهیه کند

مشورت میکرد خیلی بهتر بود که زودتر آورده باشد ولی بالاخره مجبور بودیم که در آن مطالعه کنیم و بایکمه متخصص مشورت کنیم و صحبت کنیم. البته در این بین يك مقدار زمانی هم گذشت و در این بین هم تا دیروز بنده خیال میکنم بطور قطع اشخاص ذی نفع نمیدانستند که چیست (البته يك اصول و مواد کلی بود) ولی مواد باین شکل از دیروز منتشر شد اما اگر ما در این جا بخواهیم و بگذاریم هفت هشت روز بگذرد بنده نمیدانم چه فائده از این کار خواهیم برد و بنده قطع دارم که مطالعات آقای آقا سید یعقوب بیش از آن مطالعاتی نخواهد بود که ما کرده ایم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) جز اینکه اشخاصیکه ما میخواهیم از کارهای آنها جلوگیری کنیم آنها عجله خواهند کرد و آنوقت قیمت اسعار بجائی خواهد رسید که نمیدانیم. پس حالا که نمیشود با احتمال يك منفعت با احتمال اینکه اگر بنا شد پنج روز بگذرد ممکن است فکری پیدا شود که مفید باشد ما بیائیم ضرر مسلمان را که قطع داریم از فردا بر خودمان وارد کنیم چون بنده يك حسن نیتی نسبت به نماینده محترم دارم و همینطور نسبت به همه آقایان دارم و تمام آقایان با حسن نیت اظهار نظر کردند و فرمودند عقب بیندازیم بهتر است بنده خواهم عرض کنم خدمتشان که با مشورتي که با تخصیص شده است اگر این کار عقب بیفتد ضررش یادتر است بنا بر این بهتر این است که آقایان موافقت فرمایند وارد مواد شویم.

رئیس -- موافقین با فوریت قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است.
شربت زاده

شربت زاده -- موافقم.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقای سید یعقوب -- يك شهادتی می خواهم بطلبم از

آقای وزیر عدلیه. کان نمیکند آقای وزیر عدلیه بنده را يك آدمی بدانند که از کار ساخته میکنم. سابقه بنده در چهار دوره مجلس هست که بنده بقدر پنج دفعه غیبت تاکنون در مجلس نداشته‌ام حالا بعضی ها حمل بر این میکنند که نخواستهم جریمه بدهم (خنده نمایندگان) هر چه بوده بهر حال بنده غیبت نداشته‌ام خنده نکنید این هم یکی از مشخصات احوال بنده است که گاهی بنده با اینکه تب داشتم و ناخوش بودم مجلس را ول نکرده‌ام (دستی - سعیدم مشکور) پس بنده يك کسی هستم که تا اول صبح هم باشد حاضرم کار کنم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) خیلی از خدا میخواهم همچو باشد که دولت کار هائی را به مجلس بیاورد، تصویب نامها را کنار بگذارد، و بقانون عمل کند و دیگر بعد از این عمل به تصویب نامها نکند ماده ۲۱۲ قانون مجازات را در نظر بگیرد و آنوقت تصویب نامه صادر کند. بنده از خدا میخواهم تصویب نامه که صادر میکند مطابق قانون و با اجازه مجلس باشد. بهر حال بنده موافقم که کار کنیم کی کاری این وزراء بمجلس آورده‌اند که ما دیر رأی داده ایم از نیاوردن لایحه دولت است که يك هفته در هفته تعطیل میکنیم آنوقت تصویب نامه صادر می‌کنند. پس بنده هیچ وقت از کار غفلت نداشتم این هم راجع باین موضوع اما آقای وزیر عدلیه وارد موضوعی شدند که جواب بنده نبود. بنده هنوز وارد موضوع نشده‌ام. بنده اجازه خواسته‌ام در ماده اول. و در تمام مواد هم يك یادداشت هائی کرده‌ام و اجازه خواسته‌ام که صحبت کنم و صحبت خودم را خواهم کرد. وقت هم بهم داده‌اند. صحبت اصول مشروطیت است. این تنها در ایران نیست. در آلمان در انگلیس در فرانسه حتی در افغان و بین النهرین و ترکیه لواجیح که وارد میشود تمام لواجیح را بعنوان شوری قرار میدهند. شما میفرمائید در این جا ضرر محتملی داریم بنده عرض میکنم محض اینکه این قانون آمد بمجلس بانك شاهنشاهی تمام این پول‌ها را بر نمیداردم خفی کند یا بانك فرانسه یا کمپانی دیگر؟ این صحبت ما است بنده میگویم بموجب

قانون مشروطه در آلمان قوانین سه شوری است در آلمان که چهارصد سال پانصد سال از ما جلوتر است لوائح سه شوری است نه يك شوری و دو شوری و در آنجا قوانین را میاورند و در روزناجیات منتشر می کنند و اعلانات می کنند و مجامع تشکیل میدهند رؤسای احزاب بان مجامع میروند و قوانین را حاضر می کنند . معنای کاری که با کثرت شد البته همینطور است . یدالله مع الجماعه یعنی کاری که تحت نظر جماعت شد اولی و انب است اصل این قانون که آیا مفید است یا نه در آن بنده يك توضیحی دارم که بعد عرض میکنم . مملکت مشروطه است . بنده هم مطابق قانون اساسی مطابق نظامنامه داخلی مجلس تقاضا کردم که این قانون فوریت نداشته باشد خواستم برود به کمیسیون در کمیسیون تحت شوری باید بود در مجلس بیاید و دو مرتبه برود در کمیسیون تا اینکه اذهان نسبت به موضوع حاضر شود فرمایشات آقای وزیر جواب بنده نبود فرضاً که این قانون به کمیسیون رفت خدای نخواستہ يك صدمه اساسی بما وارد نیآورد این يك مسئله تجارتي و اقتصادی است مسئله سیاسی و پولتیکی نیست و بهیچ جای ما صدمه نمیکشود بنده از اکثریت که دارای روح مشروطیت و آزادی خواهی است تقاضا کردم که موافقت بفرمایند که این قانون برود به کمیسیون و بفوریت نگذرانند تا فردا فلان تاجر یا دلال نکوید که ما هم در این قانون نظریاتی داشتیم . خوبست نظریات آنها را جلب کنیم . ما برای مردم کار میکنیم پشت سر ما مردم اند . اینهمه فریاد میزنند که مجلس برای ما کار نمیکند ما برای مردم باید کار کنیم در این مسئله هم باید نظریاتمان را اعلان کنیم روزناجیات بنویسند تجار دلال و هر يك از آقایان هر نظری دارند بیايند بگویند خوب کدام ضرر وارد به مملکت ما میشود . کدام قشون اجنبی وارد فلان بندر یا سرحد ما میشود ؟! یا باستان ما را توپ می بندد این عرض بنده . حالا آقای وزیر عدلیه میگویند که بنده شجاعت دارم و اکثریت تصدیق کرد خیر بنده هیچ شجاعت

ندارم (خنده حضار) و حتی در این مسئله قدری میزنم مگر اینکه در کمیسیون بگویند که این لایحه خوبست والا وقتی که داخل مواد شدیم بنده این طور می فهمم که تمام پول هامیروند در بانکهای خارجه بنده این را می فهمم رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنظر بنده مذاکراتی که امشب بعنوان بحث در فوریت بعمل آمده خارج از مذاکرات مربوط به بحث در فوریت است برای اینکه آقای آقا سید یعقوب يك کلیاتی را در نظر آوردند و فرمودند باید از اشیاء تجملی جلوگیری کرد ای جور قضایا را ممکن است در زمینه بحث در لایحه مربوطه با اقتصادیات صحبت کنیم دولت ما مملکت ما دچار يك مشکلاتی شده است که بنده برخلاف نظریاتی که ممکن است این جا بشنایم مشکلات را يك نوع خطری برای حیوة اقتصادی مملکت میدانم بنا براین و نظر باینکه اصل فوریت همیشه بر یک وضعیاتی است که منشاء فوریت است بنده این لایحه یکی از فوریت ترین لوائح میدانم (بعضی از نمایندگان صحیح است) بالاخره با اشخاصی که در فکر هست که ترقی فوق العاده اسعار خارجی تأثیری در امور اقتصادی مملکت ندارد بنده مخالفم . ملت و مملکت ما دارد با قید فوریت تمام وسائلی که تشخیص بدهد جارگو از این وضعیت میشود متوسل شود . آقای آقا سید یعقوب اگر مطالبی دارد ممکن است در موقعی که پیشنهاد نمود اقتصادی (که برای مدتی باید در این مملکت اجرا شود) بحث میشود نظریاتی که دارند بفرمایند . فرضاً که عقیده دارند اشیاء تجملی منع شود مازنی ندارد پیشنهاد کنند ولی این نظریه خودشان را عدم دلیل فوریت لایحه قرار دادن بنده نفهمیدم چه استدلالی است در صورت بنظر بنده توضیحات آقای وزیر عدلیه در این مطلب هم خیلی قابل توجه است که اگر در قسمت اقتصادیات بطور کلی صحبت از منع اشیاء تجملی این مسئله مؤثر در آن پیش آمد هائی که برای

مکن است در نتیجه عدم توجه بواقع بشود نخواهد بود بالاخره در مملکت باید در نتیجه تولید ثروت و اعمال وسائل جدید برای تهیه ثروت در نتیجه نقشه اقتصادی کار کرد تا بعد از پنج سال واردات و صادرات ما بمقام واقعی موازنه کند در این صورت ما البته احتیاج نخواهیم داشت که این حرفها را بزنیم . ولی امروز ترقی اسعار خارجی در نتیجه يك عللی که يك قسمت از آن علل در این جا گفته شده است برای مملکت يك خطر اقتصادی دارد درست می کنند و باید بفوریت از این جلوگیری کرد و در نتیجه تجربه و مطالعات يك کمیسیون هائی که دولت ما در خارج تشکیل داده و از متخصصینی که ما بهتر از آنها را نداریم با آنها معتمد شده و يك فکری را آماده کرده و پیشنهاد کرده اند و این طوری که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند که کمیسیون خاصی تشکیل شود با به کمیسیون مسؤلی رجوع شود این ممکن است در ماه سه ماه دیگر طول بکشد و تأخیر دوسه ماه با این جریان فعلی که خطراتی متوجه حیوة اقتصادی مملکت میشود خوب نیست . و تشکیل کمیسیون مخالف صلاح مملکت است . بنظر بنده این يك لایحه است که فوریت آن خیلی آشکار است و استدعا میکنم از آقایان بجای اینکه در فوریت صحبت کنند در اصل مطلب نظریه خودشان را اظهار بفرمایند

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است .

رئیس -- زای میگیریم . موافقین با فوریت دوم قیام فرمایند .

(جمعی قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد . مذاکره در کلیات است . آقای دشتی (اجازه)

دشتی -- موافقم .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- فرمایشاتی که آقای شریعت زاده

فرمودند معلوم میشود به بعضی از عرایض بنده متوجه نبودند و الا هر چه که بنده اظهار کردم راجع بقصدی است که همه داشتید اساس عرض بنده این بود که لوائحی که وارد مجلس میشود همانطور که در منطق خواننده این تعیین حکم به علیت است یعنی لوائح وارد مجلس شورای ملی میشود نه وارد مجلس فوری . حالا میفرمائید مجلس شورا یعنی مجلس فوری . اینست عرض بنده . اگر بطریق مشورت هم باشد . بطریق نظامنامه هم باشد باید فوری نباشد . و این دلیلی هم که ذکر کردند این لایحه را فوری نمیکند زیرا يك لایحه باین عظمتی را که میخواهند فوری کنند یعنی دلایلی که دولت در مقدمه ذکر کرده است مطابق نظامنامه دلیلی نیست که ملزم کند دولت و مجلس را در فوریت این لایحه . و اگر فوری نباشد سیاست ما از بین نمیرود اقتصاد ما از بین نمیرود در اصول ملیت ما تزلزل پیدا نمیشود که اگر فوری نباشد طوری بشود . حالا حضرتعالی باز بنظر بی مرحمتی که همیشه نگاه میکنید به بنده نگاه کردید مثل پریشب . البته مختارید اما آمدم در اصل موضوع و در اصل ماده آقای وزیر عدلیه که همیشه متوجه هستند عرایضی که میشود اسمع حسن گوش دهند خوبست جواب بدهند که موضوع این لایحه چه چیز است موضوع اینست که واردات بر صادرات مان زیاد شده بنده این عقیده را دارم . موضوع دوم هم این است که صادرات ما رو به نقصان گذاشته و از دست ما رفته است . بنده در مجله تجارت خواندم که نوشته بود ژنرال قنسول ما از لندن نوشته تجارت قالی ما بدست کمپانی روس افتاده و کتیرای ما بدست فلان امریکائی وقتی که من وارد میشوم در اقلام صادرات می بینم اقلام صادرات ما همه اش به جیب دیگران رفته و قلم واردات هم بقدری است که حالا موقع شرح آن نیست حالا میفرمائید نه بنده تکذیب نمیکم چون عقیده دارم بشما ولی این همه وارداتی که وارد میشود و بازارها را گرفته و چشم های همه را چیره و خیره کرده است و در مرئی و منظر همه است

این يك موضوعی است که بواسطه این حالت اقتصادی ما روبه نقصان رفته این یکی دیگر هم (اساسی می خواهم عرض کنم) قهرمانیت جنگ بین المللی است در مشرق زمین مخصوصاً در ایران دارد اثرش ظاهر میشود هر چیزی که در نتیجه جنگ بین المللی پیش آمد و خانه خرابی که شده کم کم دارد بما سرایت می کند و چیز های ما دارد از بین میرود . آقای وزیر عدلیه میفرمایند پول هست پس چرا جیب من نیست امیدوارم با نظر دموکراسی که دارند نظری بدعات و شهر های ایران بفرمایند تا به بیند همان قرانی که سابقاً زنها جلو چادر و سر دختر هاشان می گذاشتند و بوده آنها کمند شده دیگر آن زرو زیوری که رعایا داشتند که وقتی وارد خانه يك رعیتی میشدی ده پانزده رخت خواب بود و مقداری اسباب بود دیگر نیست عوض سماور قوری شاید حالا اسباب توال (فیروز آبادی - گرامافون) و گرامافون در دهات پیدا شده . آقای وزیر عدلیه خوبست بروند و به بینند در دهات چه وضعیتی شده حالا بنده که به خیابان لاله زار میروم اشیاء تجملی چشم را خیره میکند و شانز لیزه ایران شده اما ایران منحصر به خیابان لاله زار نیست . موضوع مسئله فزونی واردات بر صادرات است و موضوع دیگر این بود که بواسطه آزادی آمدن نقره نقره ما تنزل کرده و طلا بالا رفته است . این بود مسئله قیمت و تعیین قیمت . حالا بگوئید آقایان تجار چرا ازین میروید؟ چرا می ترسید نه ترسید این مسئله سیاسی و این ها نیست . آقای وزیر عدلیه کاملاً روحش روح مشروطه طلبی است توجه بفرمائید اول صبح که میشود در بانک شاهنشاهی تلگراف از لندن که آمد قیمت معلوم می شود . او برات می دهد نرخ برات را او تعیین و تسعیر میکند هر جور که از لندن تسعیر شد همان جور است این چه ربطی دارد به اینکه ما در اینجا قانون میگذرانیم این قانون جلو گیری نمیکند از تسعیر آنجا . این چه ربطی به تسعیر آنجا دارد هر صبح که بروید ببانک و برات برای کربلا نجف یا

داده نشود بنده مطمئن نمیشوم . خوب . نمره این چه خواهد شد . نمره اش مغازه آهن است که توی خیابان خیر الدوله باز شده اشتباه کردم . مغازه آلمان با کتوار فرانسه بانک شاهنشاهی این کمپانی های خارجی که در اینجا هستند بر شنی چشم اکثریت تمام تجارت های خارجی در اینجا میشود . این را هم ما نمیتوانیم تقفیش کنیم چرا ؟ بواسطه قانون آزادی تجارت ما عهد نامه بسته ایم . تجارت آزاد است . او وارد میکند برات هم صادر نمیکند همین طور که با آقای لاریجانی (اگر جرات کنند بگویند) صحبت کردیم کمپانی کتانه یا فلان کمپانی عوض پولش حواله میدهد همان کاغذ را همان جوری که ما تجارت داریم میبرد و پول هم میاید و میرود بدون اینکه ما برات صادر کنیم . اگر میخواهیم این را هم محدود کنیم آنوقت این تجارتی هم که الان ما دادیم که چهار نفر ایرانی تجارت دارند و از دلایلی فایده میبرند دست اینها هم بسته میشود بسلامتی دست آنها را هم می بندیم و مطابق این قانون همه را يك لقمه می کنیم و میدهیم به کمپانی های خارجی و میگوئیم آقا این هم جزای خدمتی که ما می خواهیم بشما بکنیم . خوب نتیجه این قانون از اول تا آخر (بنده کاملاً نظر مرا عرض میکنم دیگر خودتان می دانید) چیست؟ من وحشت دارم . آقای وزیر عدلیه میفرمایند کمسیون نخواهد داد تخیر محتاج به کمسیون نیست . بنده عرض میکنم کمسیون خارجه که در این جا تشکیل شده است چه محتاج است باین که بیاید در این جا و چیز کند میگوید تجارت من آزاد است . برات هم وارد نمی کند می نویسد از طرف خودش به مدیر کمپانی و شعبه اش که در آنجا است او کار خودش را می کند ؟! خوب ، کجا جلوی برات را گرفتید چه کردید؟ اصل این است . اصلی که چشم مرا گرفته است و واقعاً وحشت دارم و از خدا می خواهم که رفع این وحشت بشود . يك جماعتی که تجارت می کنند و عمل باین ترتیب واقع میشود این ها از من نروند . یکی دیگر . شما آقای وزیر عدلیه . بنده

که فوریت برای همچو مسئله ضرورت ندارد بعد هم فرمودند (چند مرتبه تکرار کردند) که شور با فوریت مثل این است که تناقضی دارد بنده عرض می کنم اینجا مجلس شورای ملی است و برای شور است ولی قوانین مملکتی و قوانین مربوطه به مشروطیت فوریت را هم یکی از طرق مشورت قرار داده است بنابراین فوریت مخالفت با مشورت و مشروطیت ندارد و درست آن نتیجه را که میخواهیم بگیریم تا بک مدتی برخلاف آن خواهد شد باین دلیل عرض می کنم فوریت لازم است. شما فرض بفرمائید قصد داشته باشید در دوره که قحطی باشد يك مقدار جنس را جمع کنید و این را در دست خودتان نگاه دارید تا بتوانید در نرخ يك تأثیری داشته باشد و تعدی کنید. اگر بنا شود شما از مدتی قبل این حرف را بزنید و این کار را بکنید آنوقت کسانی که جنس دارند هزار جور وسائل فراهم میاورند پنهان میکنند بهم میفروشند و قیمت را بالا می برند و هزار جور کار میکنند بدیهی است. دريك همچو مسئله معلوم است که باید فوریت هم باشد و البته این فوریت هم هیچ تناقضی با قانون ندارد مسئله دیگری که فرمودند مسئله صادرات و واردات را فرمودند که واردات این مملکت ما را شیره و خیره کرده است...

یکی از نمایندگان - خیره گفتند

آقا سید یعقوب - چیزی عرض کردم

وزیر عدلیه - بسیار خوب بنده اینطور ملتفت شدم.

اولا بنده تمام فروض شما را جواب عرض میکنم همچو فرض میکنیم که نه فقط امسال ما از میزان محاسبه خودمان یعنی از میزان وصول و پرداخت خودمان با خارجی ها یا ممالک دیگر امسال وضعیت ما بد شده خیر میگوئیم از سی سال قبل از این وضعیت اینطور بوده پس بنا بر این البته باسقی بفوریت جلو گیری شود پس با کلیاتش هم باید موافقت بفرمائید. آقا میفرمایند ما وضعیت اقتصادیان بد است

است که بین صادرات و وارداتمان تعادل نیست خیر بنده عرض نمیدانم آقا اگر شما هیچ این مسئله را هم وارد نمیشدید شما از شصت سال هفتاد سال پیش نگاه کنید به بنیاد قوه تولید و مصرف شما در چه حال بوده دهانی های شما افراد ما اینها خودشان کار می کردند نام از اینکه قسمت شمال یا جنوب یا مشرق یا غربش بودند آنوقت مبادلات جنسی هم که با هم میکردند چون همه اش با دست بود دريك حدود معینی زندگانی خیلی محدود خیلی متوسطی داشتند و يك اندازه هم میشود گفت که حال رفاه داشتند ولی از آن روزیکه احتیاجات آمد و عوض شد از آن روزیکه شما مجبور شدید يك احتیاجات جدیدی را رفع کنید این را هم باید عرض کنم که یکقسمت از این احتیاجات بواسطه این بود که ما شروع کردیم بمرافقه با خارجی ها و يك احتیاج جدیدی پیدا کردیم و این احتیاجات تصادف کرد با يك مالکی که طرز کارشان با ما فرق دارد البته آن مال التجاره هائی که ببرد مملکت ما میخورد آن مال تجاره ها در يك ممالکی تهیه میشود که ما باید در قبضش با دست کار بکنیم و مبادله بکنیم و البته طبعاً بوه تولید ما همان اندازه که توده باقیانده است همان اندازه که بکنفر آدم با دست ممکن بوده است در شصت سال قبل از این يك کاری را انجام بدهد همان آدم آمده است و مصرف میکند چه مصرف میکند همان چیزی که در جای های دیگر با ماشین تهیه میکنند و آنوقت آن آدم میتواند که در یکساعت چه اندازه پارچه می بافت و این هم در یکساعت اگر بخواند کار بکند چقدر کار میکند از اینجا است که این تعادل بهم میخورد و این تعادل هم روز بروز بهم خواهد خورد تا اینکه ما بتوانیم يك وضعیت بهتری را اتخاذ کنیم برای خودمان شما هر قدر در وقتی بر روی این تعادل بیشتر بهم میخورد امروز خودتان البته عقیده دارید که هر قدر بشود باید سعی کرد که بسبب در این مملکت بیشتر شود خوب این اطباء هم که اطباء حساسی باید باشند تحصیل کرده باید باشند و البته مالکشان میخواند که در هر بلوکی یک نفر طبیب داشته باشید

خودمان را زیاد کنیم و نباید هیچ اهمیت بدهیم که عطر و ابریشم و اقسام اینها وارد میشود. شما در سال سی ملیون ابریشم تهیه کنید بگذارید آنها هم سه ملیون از این جنس ها بفرستند پس اگر بنا باشد ما برویم روی این فکر کئی هی فئاعت بکنیم بالاخره يك ملت جوکی باید بار بیاییم که با پس گردنی برویم بوضعیت قهقرائی چندین سال قبل از این ولی نباید این فکر را کرد و بایستی طرق فکری مابلندتر از این باشد يك وضعیت غیر عادی برای اسعار پیش آمده است که اسعار بیک وضع بدی افتاده است خوب حالا ما میخواهیم بگوئیم که آقایان امسال شما آن چیز هائی را که برای شما ضرورت ندارد نباید برایش اسعار بخرید و ما هم بهتان اجازه نمیدهیم و البته این يك مسئله موقت است بنده هم با شما موافق هستم و بهمین دلیل هم هست که این لایحه را هم آورده ام و دارم با شما مباحثه میکنم اما اساساً این طرز فکر که ما بایستی کرباس خودمان را ببوشیم و همان قاطر چموش خودمان را سوار شویم این نمیشود آقا ما باید برویم روی این فکر که انوموبیل بیشتر از اینها بشود منتهی باید کاری کرد که شما ملیون ها بیشتر از این صادرات داشته باشید باید کاری کرد که فرض بفرمائید که اگر مملکت شما درسال نه ملیون (قاجاق بکنار) قدر وارد میکند باید يك کاری بکنید يك پروکرامی تهیه کنید که بعد از چند سال دیگر یکمقدار زیاد از این را در همان سنوات اولش کم بکنید و بعد چند درسال دیگر صادر بکنید دولت هم در اینباب يك مقدماتی فراهم کرده است اما این مربوط بان لایحه نیست آقا میرسیم بقسمت دیگر که فرمودند در عمل این قانون برمیگردد این ضرر بهتجار داخلی و بمنفعت تجار خارجی و مثالی را که خواستید بیاورید و بنده را متوجه کرده باشید و آقایان را فرمودید که در قسمت خارجی ها عدل ها ابدأ تفتیش نمیشود و برعکس بعضی از تجار هستند که عدل هائی که می بندند خیلی تفتیش میکنند بنده چند جواب میتوانم بشما بدم جواب اول این است که خوبست آقا اطلاعاتی که دارند بفرمایند بمن من هم به هیئت دولت بگویم بدمم به بینیم که چرا تبعیص کرده اند و البته جلو گیری میکنیم

این یکی دوم اینکه میگویند که بعضی از تجار داخلی هستند که آنها را هم تفتیش میکنند مثل بعضی تجار خارجی البته این بسته است بان تجارتخانه که جنس میفرستد که چه سوابقی در گمرک دارد و چقدر گمرک نمیشود باو میتوانست اعتبار داشته باشد که توی عدل هایش چوهای دیگر هم میتواند بگذارد و اما اینکه فرمودند این کار را که کردید و این قانون را گذرانید آنوقت تجار خارجی از خارج مستقیماً مال را وارد میکنند این چه و از برای این هم که برات نگرفته باشد نتیجه این خواهد شد که بنده ایرانی که امروز وارد کننده این مال هستم بنده میروم پیش کمیسیون تفتیش اجازه بدهند که تفتیش میگویم آقای کمیسیون تفتیش اجازه بدهند که من عطر کتی وارد کنم (چون آقای آقا سید یعقوب خوششان می آید بنده هم عطر کتی بکنم) کمیسیون تفتیش هم بمن میگوید چنان من عزیز من تو بازار اسعار را نگاه کن حالا من وقتی را ندارم بالاخره دست بدست میکند آنوقت من میخواهم که سرمایه خودم را بفرستم بخارجه و همینطور ببخشید باین عبارت عرض میکنم خیلی به بخشید آنوقت خیلی خیک عطر کتی می آورم اینجا و میفروشم بعد از این که این عطر ها را برگرداند و بصورت قران در آورد این پولها را میبرد در بانگ و میگوید عوض این پول خارجی بمن بده یا اینکه همینطور نگاه میدارد اگر همینطور نگاه داشت که خیلی مرد بزرگواری است این که یکمقدار پولش از مملکت خارج نشده است به بازار ما ضرری وارد نمی آورد اگر آمد و گفت که من میخواهم این را اسعار خارجی بخرم و به من برات لیره بدهید چرا برای اینکه این را من میخواهم بان کمپانی طرف خودم حواله بدم برای چه در مقابل بالاخره نوشته شده است اسعار را وقتی که بخرید جواز میدهند در مقابل احتیاجات واقعی و چه نیست دیگر همین جور دام میخواهد بفرستم که نیست یا اینکه بگویند من میخواهم مال التجاره وارد کنم ما میگوئیم چه مال التجاره آقا شما که میدانید مالز برای احتیاجاتی که خیلی ضرورت داشته باشد اجازه میدهیم و آنهای دیگر را بکنند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
فیروز آبادی - بنده مخالفم
رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - این مسئله يك مسئله شوخی نیست مسئله سهل و ساده نیست که ما به این عجله تمام کنیم بنده عقیده ام این است که این مسئله را اجازه بدهند که بیشتر درش مطالعه و دقت شود بهتر است از اینکه ما کور کورانه يك قضیه باین مهمی را بگذرانیم و البته اگر این را رعایت نکنیم بعد ها اسباب زحمت خواهد شد بنده عقیده ام این است که اگر این مطلب طول بکشد بهتر از این است که فوری بگذرد و فردا اسباب پشیمانی شود بنده عقیده ام این است که آقایان اجازه بدهند که تمام نظریات گفته شود و بنده مخصوصاً يك عقایدی در این قانون داشتم که از توضیحات آقای وزیر عدلیه عقاید کمالتر شد و اعتدو لهم ما استطعتم ما در مقابل طرف بایستی مثل خود آنها تهیه وسائل زندگانی کنیم آنها با استخراج معادن بزراعت فلاحه و بصناعت خودشان اهمیت میدهند و روز بروز توسعه میدهند ما هم بایستی باین فکر ها بیفتیم و بهمین وسائل بپردازیم بنده عقیده ام این است که باین لایحه کارها اصلاح نخواهد شد.

رئیس - موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول :

ماده اول - حق معاملات مذکوره در این قانون موقتاً منحصر بدولت و بانکهای خواهد بود که مطابق قوانین و نظامات در ایران مقیم بوده و بر طبق مقررات این قانون عمل کرده و در کمیسیون نرخ اسعار مذکور در ماده سه عضویت پیدا کنند دولت مکلف بسلب حق معاملات مربوط باسعار و نقود خارجی از هر بانگی است که معامله برخلاف مقررات این قانون نموده یا از اعزاز نماینده در کمیسیون نرخ اسعار خود داری کند .
تبصره - دولت میتواند بتجار مخانهائی که دارای دفاتر منظم باشند و تبعیت از مقررات این قانون را تعهد کنند

جواز معاملات فوق را بدهد ولی در هر مورد این اجازه بر حسب تصویب نامه مخصوص هیئت وزراء خواهد بود.

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- موافقم

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده عرایض خودم را میکنم و تا قانون مشروطیت و قانون انتخابات بوقیل اجازه میدهد بنده حرفم را میزنم تا صبح هم که باشد تا رئیس نشسته است بنده حرفم را میزنم شما هم چه میخواهید بگوئید من ول نمیکنم میخواهید هم مرا بکشید مختارید (طهرانی کی میکشد) من که شما را نمیکنم مگر خدا شما را بکشد (خنده نمایندگان) آقای وزیر عدلیه يك مسئله را پیش چشم بنده کشید گفت عطر آقا نگاه کن باین راپورتی که از امریکا برای ما آمده است که ژنرال قنسون ما راپورت داده است تمام صادرات ما باندازه نصف پول انوموبیل کمتر است از قبالی از کتیرا از تریاک از هر چیزی که ما صادر میکنیم آنوقت میفرمائید که من گفته ام عطر من غلط کردم ببینید انوموبیل در مملکت چه برای ما گذاشته است چه جور روزگار ما را سیاه کرده است کجا ما میتوانیم جلوی انوموبیل را بگیریم بنده عرض میکنم که تجارت آزاد است و این شخص پولش را میبرد در بانک شاهنشاهی و بکمسیونری که شما معین کرده اید نمیرد و بهمان ترتیبی که دیگران میکنند او هم صادر میکند کاغذ مینویسد در لندن بطرف خودش در فلان جا شما نمیتوانید جلو گیری کنید... (همراز -- نمیشود) آقا خوب هم میشود آقای فاضل الملک بجان شما میشود با اینکه شما وکیل مبرز هستی خیلی خوب هم میشود بردار قانون تجارت نگاه کن تا اینکه ملتفت شوی بهر وسیله شده است ولو بکاغذ خصوصی هم شده است پولش را بیرون میفرستد از کسانی که مستحضر هستند تحقیق کنید تا مطلع شوید الان همین مسئله انوموبیل و اشیاء لوکس

لباس ابریشمی را من نکتم نباید چیزهای دیگری که مازای غرق کرده است باید جلوگیری کرد يك لایحه بیاورید که تشویق صنایع داخلی را بکنید و تا اندازه جبران این واردات کمر شکن را بکنید آنوقت عطر را توی چشم من بکشید درد من همین است میگویم او آمده مارا بایمال کرده شما این قانون را می آورید این جا چه ربطی باو دارد خودت تصدیق میکنی که واردات ما بچه اندازه است و باید قوه تولیدیه در مازاد شود این قانون که قوه تولیدیه نمی آورد این قانون که تشویق صنایع داخله نمیکند آن قانونی که آقای شریعت زاده خبر دادند که پروگرام اقتصادی داریم او که هنوز بمجلس نیامده درد من در آن قانون است این دردی که ما داریم مرضی که ما داریم هیئت دولت ما بعد از دو ماه آمده است اینجا میگوید آی مرضی ایران من برای اصلاح اقتصادیات شما نسخه آوردم بنده عرض میکنم این نسخه نیست شما چه میفرمائید بنده عرض میکنم شما در این قانون چطور نرخ را جاوش را میگیرید که ترقی و تنزل نکند این جواب من است که شما میفرمائید بنده که تنها هستم و ما توفیقی الایاله هیچکس را ندارم جز خدا بنده عرض میکنم که این مرضی که ده پانزده سال است مبتلا بودید این دوا را نیست این جلوی سیل واردات را نمیگیرد جلوی انوموبیل را نمیگیرد (با حرارت) اتمعه داخلی را ترقی نمیدهد شما میفرمائید باید مطابق قانون مطابق فلان چیزی که فلان دکتر گفته است قوه تولیدیه و قوه خرج کردن را با هم مساوی کنیم بنده عرض میکنم پس قانونی بیاورید برای این مسئله میفرمائید نه خیلی خوب دوره بعد می آید دوره هشتم و نهم می آید در همین جا در همین پشت تریبون محاکمات میشود و معلوم میشود که من خلاف واقع نکتم من حقایق را با يك عقاید باکی گفتم اینهایی را که شما فرمودید جواب من نبود بنده عرض میکنم که شما چطور میتوانید بگوئید که يك بانک تجارتنی که آن بانک قیمت بروات را معین میکند در جاهای دیگر هم همین است در صورتیکه امریکا يك ترتیبی دارد آنکلیس يك ترتیبی دارد و از همین جهت است که الان عکسش در مشرق زمین افتاده است ما چطور

میتوانیم معین کنیم اما خود عبارت تبصره هم در این خبری که روز نامه ایران منتشر کرده است با این که بنجا خوانده شد متباین بود بهر حال بنده میگویم که تجارت خانه بعد از اینکه محتاج به این قانون باشند تصویب نامه رای چه؟ شما بانک را يك تصویب نامه که بهش نمیدهد باندازه بانک که آمد در آنجا آن حق را هم بهش نمیدهد بر صورتیکه تجارتخانه مطابق این قانون باشد چرا حق نمیدهد که محتاج باشد دو مرتبه تصویب نامه از هیئت دولت برایش صادر کنید برای اجرای قانون تصویب نامه از هیئت دولت صادر شود این معنی ندارد این هم يك شکل اساسی و اشکال عبارتی هم بنده در تنظیم عبارت دارم اگر اجازه میفرمائید عرض کنم چون ما عادت کرده ایم که در حضور شما در کمسیون عدلیه خیلی از این قبیل فتحه و ضمه ها را درست کرده ایم میگوید دولت مکلف به سلب حق معاملات مربوط باسعار و بود (این عبارت هم بنظر بنده لایتنجسبک است اگر اجازه میفرمائید و اکثریت نمیگوید ای داد قانون بین رفت عبارت اصلاح شود و راجع به تبصره هم نمی وزیر عدلیه یا آقای دشتی جواب بگویند اگر يك تجارتخانه حاضر باشد مطابق قانون عمل بکند دیگر محتاج به تصویب نامه هیئت وزراء نباید باشد این معنی دارد و مسئله سعر را هم دولت در نظر بگیرد.

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- بنده تصور میکردم یکی از موافقین جدی لایحه آقای آقا سید یعقوب و آقای فیروز آبادی خواهند بود (آقا سید یعقوب -- اشتباه کرده اید) اشتباه کرده ام و خیلی هم اشتباه کرده ام و از این اشتباه خودم بطلبم متاثر هستم و این اشتباه هم در طی بیانات بیان نمائید شد (آقا سید یعقوب -- خیلی جدی شده است آقای دشتی) رای اینکه ایشان همیشه مع بر واردات و صادرات داد میزنند آنوقت با لایحه بطبعاً نتیجه او این است که واردات را محدود میکند

مخالفت میکنند مضحك این است که کسی که مخالف با زیادتی واردات است با این لایحه مخالفت میکند فرمودند که من تا صبح حرف میزنم اگر کسی هم مرا میکشد بکشد خیر آقا هیچکس شما را نمیکشد هر حرفی هم که دارید بزنید ما هم حاضریم جواب بدهیم عرض میکنم که بنده بر خلاف عقیده آقای وزیر عدلیه معتقدم که واردات مملکت ما زیاد است یعنی از آنچه که ما صادر میکنیم وقوه تولیدیه در ماهست جنس از خارج زیادتر وارد مملکت ما میشود و از همین لحاظ بنده معتقدم که دولت باید محدود بکند واردات را و محدود کردن واردات هم بچندین شکل میشود یکی ممنوع کردن واردات یکی زیاد کردن تعرفه کمرکی یکی هم به این ترتیب اما دولت نمی تواند يك قسمت از واردات را ممنوع کند برای اینکه اگر ممنوع کند ممکن است ان دولی که این امتعه از آنجا میآید آنها هم اجناس ما را ممنوع کنند یعنی معامله متقابل کنند اما تعرفه کمرکی را ما فعلاً نمی توانیم زیاد کنیم برای اینکه قرار داد داریم با دولت ها و قاسنه ۱۹۳۶ نمی توانیم این کار را بکنیم پس بهترین وسیله و بهترین کار همین است که دولت در نظر گرفته و این هم چیز تازه نیست که دولت ایران کرده کاری است که اغلب دول اروپا در ایام جنگ کرده اند بنده خودم از کسانی بودم که در سه ماه پیش همین مسئله را بدولت پیشنهاد کردم در روزنامه و با متخصصینی که در مملکت بودند صحبت کردم و این مسئله را يك وسیله خوبی میدانند برای محدود کردن واردات و یکی از علل ترقی پول همان کثرت واردات است بواسطه زیادتی تقاضای اسعار خارجه آقای آسید یعقوب اشتباه کرده اند که میگویند آنها مطابق دلخواه خودشان هر روزه نرخ قران ما را که در بازار آنها رواج ندارد تنزل میدهند قران ما بر حسب تقاضای ما نسبت به پوند تنزل میکند یا ترقی میکند پس هر قدر دولت بتواند يك کاری بکند که تقاضای پوند کمتر بشود بالطبع قران ما میتواند يك حالت وقفه پیدا کند و نکته دیگری را هم که آقای آقا سید یعقوب بطور استخفاف فرمودند

که این لایحه را می گویند بعد از چندین سال تمام مرضهای ما را این لایحه معالجه میکند این اشتباه است دولت ابتدا مدعی نیست که بوسیله این لایحه قوه مولده ثروت را زیاد میکند و تمام خرابیهای اقتصادی ما را اصلاح میکند کی دولت همچو ادعائی کرد در این مدتی که دولت مشغول مطالعه بوده است يك وسایل مختلفه اتخاذ کرده است برای امراض مختلفه و يك علاجهای مختلفه پیدا کرده است و همینطور که آقای شریعتزاده فرمودند دولت نقشه مفصلی در نظر دارد که قوه تولید را در مملکت زیاد کند حتی همان قوه را که آقای آقا سید یعقوب ناله میکند که ضعیف شده است یعنی زراعت مملکت را ترقی بدهد صنایع این مملکت ترقی را بدهد و باز يك مسئله مهمی را که دولت در نظر گرفته است مسئله مبدل کردن واحد پول ایران است از نقره به طلا که این هم چون هنوز تمام نشده در این باب بنده عرض نمیکم و بعد از تمام شدن به مجلس خواهد آمد و يك علاجی هم که آقای وزیر عدلیه در اینجا تکرار کردند که موقتی است فقط برای این است که جلوگیری کند از اینکه اسعار خارجی زیاد ترقی نکند و تا يك اندازه هم تنزل بکند و از این جهت این لایحه را آوردند حالا من میدانم در این لایحه آقا چه ایرادی دارید میفرمائید که این لایحه کافی نیست ما هم میدانیم کافی نیست شبهه نداریم این لایحه تمام خرابیهای اقتصادی که در مملکت است جبران نخواهد کرد بنده عرض میکنم این لایحه فقط محدود میکند واردات مملکت را شما میفرمائید محدود نمیکند پس چه مطلبی محدود میکند. يك پیشنهادی شما بدهید برای محدود کردن واردات این که میفرمائید من از عطر شکایت میکنم و از اتومبیل شکایت میکنم البته واردات منحصر به عطر نیست يك قسمت از اتومبیل های لوکس عطر پارچه های ابریشمی مشروبات الکلی است و بالاخره از این قبیل چیزها است و وقتی که دولت نگاه میکند باینها می بیند صادراتش این اندازه نیست که وارداتش را جبران کند مجبور است که از يك راههایی جبران کند و اینهم يك وسیله خیلی عملی و سهل و ساده ایست

که تمام دول اروپا هم اتخاذ کرده اند در مواقع لزوم در قسمت وارد کردن اجناس هم همینطور که گفتند اجناس را اگر قبلاً وارد کنند دیگر پولش را از بانک نمیگذارند خارج کنند و وقتی که پول از مملکت خارج نشد خود این پول در مملکت بچربان میافتد و وقتیکه خارجند نرخ ترقی نمیکند و بالاخره این يك وسیله مؤثری است از برای جلوگیری زخ لیره. عرض کنم راجع به تبصره که گفتند این تبصره یکی از محسنات این لایحه است برای اینکه اگر این تبصره نبود (چنانکه سابق هم نبود) بالطبع تجار ما را محروم میکرد در صورتیکه ما تجارت های معتبر داریم که اینها معامله برواتی میکنند و بیاید آنها را محروم کرد شما فقط ایرادی که دارید این است که چرا فقط باید تصویب نامه باشد البته این تبصره باید باشد که هر سبزی فروش بتواند بگوید من تاجر و مجازاً معامله برواتی بکنم تصویب نامه هیئت وزراء برای این است که يك تجارتخانه هایی را اجازه بدهند که این کار را بکنند بالاخره این تبصره خیلی خوب است و نااندرای تعدیل کرده است این لایحه را و اگر این را اضافه نمی کردید نتیجه این میشد که يك قسمت از تجار که معامله برواتی میکنند آنها محروم میشدند و مجبور بودند برای از بانکها بخرند و اینکه هیئت وزراء تصویب کنند برای این است که هر کسی وارد نشود و معامله بانکی که دیگر بنده عرایضی ندارم برای اینکه مطالبی را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند در همین حدودها بود وزیر عدلیه - بنده اجازه میخواهم يك نکته را توضیح بدهم که آقای آقا سید یعقوب فرمودند و فرمودم کردم جواب بدهم که چرا وزارت اقتصادیات در این نوشته شده در صورتیکه سابقه ندارد لایحه در این خصوص تهیه شده تجارت و فلاحت و معادن و بالاخره فوائد آن است تمام این قسمتها را از وزارت فوائد عامه جزی می کند و دو وزارت خانه میشود يك قسمت وزارت اقتصادیات است هر کب از تجارت و يك قسمتهای مربوطه دیگر يك قسمت هم وزارت طرق و شوارع خواهد شد و لایحه

هم چند روز دیگر تقدیم میشود و باین مناسبت این جا اقتصادیات نوشته شده است نکته دیگر این بود که نماینده محترم آقای دشتی فرمودند و بنده لابد شدم يك توضیحی بدهم لابد برای خود ایشان هم این مسئله اشباه شده است و آن راجع به منع واردات بود که فرمودند دولت نمیتواند منع کند دولت مطابق عهود خودش هر وقت از نقطه نظر مصالح مملکتی بخواهد ورود يك چیزی را جلوگیری کند جلوگیری خواهد کرد بدون اینکه هیچ مانعی داشته باشد

رئیس - آقای اورنگ

حکمت - مخالفند آقا

اورنگ شیخ الملکی - حالا عرض میکنم. عرض کنم برای اینکه مقصود را بعرض رسانده باشم فرض میکنم شرفیابی معهود است یا بموافقت یا بمخالفت موافقت که خود لایحه است انسان بگوید موافقت لزومی ندارد شرفیابیش مخالف هم ممکن است يك آدمی مخالف باشد همان حالت بنده را دارد و آن این است که در بعضی از موارد آن انسانی (هر که میخواهد باشد) يك صلاحی بنظرش بیاید یا اگر يك نقص می بیند آن نفس را متوجه کند و دولت متوجه نشده باشد و بالاخره ممکن است يك عبارت شکلی تری یا تبصره بیاناتی پیشنهاد کنند این مقدمه عرض بنده است در اینجا بیاناتی که آقای وزیر آقای وزیر عدلیه مشروحاً فرمودند بنده کاملاً استماع کردم راجع به آن جزء اخیر بیاناتان (ملك برای مگر قزوینی هستند) در خصوص کپانهای خارجه که اینها را التجار ما از خارج وارد میکنند بدون اینکه قبل از وارد کردن بکمیسیون مراجعه کنند و از آنجا لیره بخرند معمول مملکت این است که تجار داخلی ماهر وقت بخواهند يك جنسی را خارجه بخرند اول میروند در بانک يك پولی میخرند و پول استیضای بیعانه است میفرستند برای يك کار خانه قدری بخرند این مقدار برای ما بفرست وقتیکه همچو چیزی میاید مراجعه میکند به کمیسیون بدیهی است که

کمیسیون تشخیص میدهد اگر واقفاً مملکت محتاج است باین جنس و یا محظور دیگری ندارد با اجازه میدهد اما فرض کردیم که يك تاجری است مقیم طهران بارش و این خارجی است و محتاج است برای وارد کردن مال التجاره به خرید يك براتی و فرستادن آن برات بعنوان بیعانه برای آن کار خانه بلکه نماینده آن کار خانه است که در طهران مقیم است و این اجناس برای خودش وارد میشود و میشود که آن جنس اعم از اتومبیل یا قند یا سایر چیزها باشد فرمایش کردید که خوب وارد شود صد هزار عدل برای او وارد شود و بفروشد پولش را در اینجا چه میکند اگر پولش را نگاه میدارد در مملکت ایران که خوشحال و سعادت ما که يك چنین شخصی جنس را بیاورد اینجا بفروشد و پولش را هم بیرون نفرستد اگر پولش را خواست لیره بخرد و بفرستد ما میگوئیم این چه پولی است با آن شرحی که فرمودید این يك فرض دیگری هم دارد که من برای آن شرح شرفیاب شدم آن فرض این است که شرفیاب نمیشود و پول این جنس را بخرید برات بارو میفرستد بلکه در مراسلاتش با آن کارخانه خودش قرار اینطور دارد که آن عید نوروز به عید نوروز یا ماه بماه يك براتی برات بکند بمبلغ قران که مسیو کتانه مبلغ صد هزار تومان در بیست و چهار ساعت برسان بابت بدهی میگوید يك قرضی دارم آنجا این ارث پدری است پیش مادر بنده بوده است (خنده حضار) مردی هست مقروض و باید دین خود را ادا کنم یا اینکه براتی آمده است که باید بدهم قانون تجارت ما هم بر این است که اگر چنانچه نرساند بعد از بیست و چهار ساعت وجه برات را قبول و نکول این برات را بوسیله محکمه تجارت باو اخطار میکنند و او را ورشکست قلمداد میکنند و حالا بنده میخواهم عرض کنم که این شکل را من در اینجا نمی یابم یا يك توضیح مفصلی بدهید که من بیابم و اگر ملاحظه میفرمائید که يك چیز دیگری لازم دارد که جلوگیری از این معنی شود یا ضرر با نفع برای همه علی السوی است در اینصورت تجار داخلی کلاً هر کس که اینکار را

بکنند آن آدم محکوم به ورشکست شدن و معدوم شدن است و هر کس این نحوه از معامله را با یکی از کپانیهای خارجی داشته باشد بازار تجارت بازار او است و او است که خدای این بازار حالا دقت کنید در همه این مواد و در مواد دیگر هم اینچنین توضیحات را من لازم دارم اگر این معنی را بیاک توضیحی رفع میفرمائید و بیاک تبصره که بنده میدهم قبول میفرمائید که البته من قانع میشوم اگر هم همچو فرضی را میفرمائید که واقع نمیشود در دنیا آن را هم مختارید

وزیر عدلیه - در قسمت کپانیهای خارجی که اظهار فرمودند که مستقیماً جنس را از آنجا برایشان میفرستند و در اینجا بنده از برای وارد کردن آن جنس باید بروم برات بخرم و بطور بیعانه يك مبلغی را بفرستم و او دیگر محتاج بعمل اول نیست بنده جوابی عرض کردم که آن جواب را هم تکرار کردید و باز عرض میکنم که بعد از اینکه اشیائی که خیلی طرف احتیاج نیست پول آن اشیاء را وقتی که در همینجا نگاه میدارد آنوقت در بازار اسعار ضرری برای مانیست برای اینکه يك جنسی وارد کرده است در اینجا و آن جنس مصرف شده است و پولش در داخله مملکت است لیره که نمیتواند بجز دپنهان بکند برای اینکه...

فیر وز آبادی - از توی بازار میخورد.

وزیر عدلیه - نمیتواند بخرد برای اینکه منحصر شده است به دولت و به بانکهای که دولت اجازه داده است و به تجارتخانه هائی که از برای هر کدامشان باید اجازه خاصی داده شود آن هم با دفاتر معینی که باید تقنیش شود بنا بر این نمیتواند این کار را بکند پس ما باید این پولی را که پیدا کرده است در مقابل اجناس خودش یعنی عطر خودش را بدل به نقره مسکوک ما کرده است و میخواهد بخارج بفرستد که بعد بشکل شمش درش بیاورد اگر بخواید نقره خارج کند که ما خروج نقره را جلوگیری کرده ایم پس با باید برات بخرد با باید جنس بفرستد اگر آمد و جنس خرید و فرستاد

بسیار خوب این يك تشویقی است نسبت بصادرات ما و از این راه آن تعادلی که منظور ماست بعمل خواهد آمد اگر بنا شد خواست برات بخرد قبلاً جوابش را عرض کردم که با اجازه داده نخواهد شد باو گفته خواهد شد که شما این برات را برای چه میخواهید و البته این توضیحی که آقا خواستند این را بیک شکل خاصی در آورند که مجلس را از این خستگی بیرون بیاورند و عیبندارند و الا هیچ ناجری نمی آید بگویند از نقطه نظر اینکه دختر عمویم پسر عمویم مدیون است میخواهم این کار را بکنم و این قروض هم برای این است که مال التجاره آورده ام مقصود ما این نبود که آن کسی که قبلاً میخواهد پول مال التجاره را بفرستد باید از اجاره بگیرد خیر مقصود ما این است که هر نوع مال التجاره را که خیلی ضروری نمیدانیم بسهولت اجازه نخواهیم داد و چون مال التجاره را هم که شما وارد کردید متأسفانه از آن ردیف است بشما هم اجازه نخواهیم داد آنوقت آقا فرمودید که اگر میآید يك کار دیگری میکند میآید يك براتی میگردد بشکل قران که فلاقتدر قران بده باز هم عرض میکنم که بشکل قران این یعنی چه اگر چنانچه در اینجا بده باز اشکالی ندارد یا اینکه بخواید قران را بردارد و برای او بار کند یا اینکه قران را بگیرد و بصورت لیره و پول خارجی بکند باز بهمان راهی که در ابتدا گفتیم جلوگیری خواهیم کرد و بعلاوه در قسمت دوازده از ماده در گفته میشود که اجرای معاملات بانکی راجع به پول ایران بصورت محاسبه در دفاتر از ایران بخارج بدهد بصورت محاسبه در دفاتر از ایران بخارج بدهد اجاره مخصوص کمیسیون تقنیش در قسمت پنجم م گفته میشود نقل و تحویل پول ایران از خارج بایران بصورت محاسبه در دفاتر بدون این که در مقابل آن واقماً نقود یا اسعار خارجی تسلیم شود و بطور کلی هر نوع عملی که با قصد نقل برای فرار از انجام مقررات این قانون باشد ممنوع است و هر طرفی که معلوم شد که آمده است از این طرف خواسته است کاری کند بموجب این مواد جلوگیری کند

میشود بنا بر این بنده خیال میکنم از این حیث نگرانی نباشد و آقا هم از این حیث راحت باشند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - رای میگیریم بماده اول آقایان موافقین قیام فرمایند...

آقای سید مقوب - اصلاحی است بنده کرده ام... (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم:

ماده دوم - عملیات ذیل ممنوع است:

۱ - خرید و فروش و اقاله و بطور کلی هر قسم معامله راجع باسعار و نقود (اعم از نقود فلزی یا کاغذی) خارجی اعم از اینکه بطریق انتقال تلگرافی یا طریق دیگر بشکل برات تجارتمی یا نوشته اعتبار یا چک یا هر نوع اوراق تجارتمی دیگر باشد به نرخ غیر از نرخ مقرر از طرف کمیسیون نرخ اسعار

۲ - تسلیم اسعار و نقود خارجی بهر صورت و طریقی که باشد بدون اجازه کمیسیون تقنیش مذکور در ماده ۴

۳ - جمع آوری و احتکار اسعار یا نقود خارجی

۴ - خرید و فروش نقود و اسعار خارجی بقصد ترقی و تنزیل دادن تصنعی قیمت آنها

۵ - نقل و تحویل پول ایران از خارج بایران بصورت محاسبه در دفاتر بدون اینکه در مقابل آن واقماً نقود و اسعار خارجی تسلیم شود و بطور کلی هر نوع عملی که با قصد نقل برای فرار از انجام مقررات این قانون باشد

۶ - قرض دادن یا استقراض به اعتبار نقود یا اسعار یا اوراق بهادار دیگر خارجی بدون اجازه مخصوص کمیسیون تقنیش

۷ - نهائی که موضوع آن یکی از اسعار خارجی مربوط بمنافع اشخاص مختلف باشد بهر عنوان و بهر عملی که عمل آید

۸ - وارد کردن نقره خواه بشکل مسکوک خواه باشکال دیگر باستثناء اشیاء نقره زرگری شده

بگردد باستثناء اشیاء نقره زرگری شده

۹ - صادر کردی طلا بهر صورتیکه باشد
 ۱۰ - صادر کردن نقره باستثناء نقره زرگری شده هر مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن نقره مسکوک خواهد داشت
 ۱۱ - صادر کردن اسکناس ایران مگر در حدودیکه قوانین و نظامات اجازه بدهد
 ۱۲ - اجرای معاملات بانکی راجع به پول ایران بصورت محاسبه در دفاتر از ایران بخارج بدون اجازه مخصوص کمیسیون تقنیش.
 رئیس - آقای زوار
 زوار - موافقم
 رئیس - آقای شریف زاده

شریف زاده - استفساری داشتم از آقای وزیر عدلیه (حکمت نیستند) از آقای وزیر مالیه اقاله یعنی تفساخ بین طرفین معامله با رضایت طرفین بنده نفهمیدم این چه تأثیری در قیمت اسعار دارد این را میخواستم بفهمم یکی دیگر از حقوق این ماده منع استقراض یا قرضه دادن است در مقابل پولی که کسی در خارج دارد میخواستم به بینم این چه تأثیری در بورس لیره دارد و چرا منع شده است میخواستم این را بفهمم

رئیس - آقای فهیمی

فهمیمی - راجع باستقراض که در اینجا منع شده است تمام این مواد برای مخالفت از زیاد صادر شدن پول داخلی است بخارج برای اینکه عناوین مختلفه ممکن است پیدا شود که در این چند قسمت هر کدام را بشکلی پیش بینی کرده اند یکی از آنها هم همین مسئله استقراض است که ممکن است که بطور توریه باشد بطور ثباتی بعنوان استقراض وجهی را بگیرند برات بکیرند برای خارج در صورتیکه اصل مقصود استقراض صوری است و مسئله اقاله را هم آقای وزیر عدلیه جواب خواهند داد (خنده نمایندگان)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - درست وقتی که وارد میشوم کم کم توضیحات مثل بیانات آقای فهیم الملک میشود حالا عرض میکنم بنده با این ماده مخالفم مخصوصاً نسبت به بعضی اجزاء این ماده کاملاً مخالفم مثلاً از جمله چیزها یکی صادر کردن نقره است که ما میگوئیم نقرمان زیاد است وارد شدنی را هم تقسیم برای ما بد است آزاد کردن این مسئله ما را دچار زحمت ساخت وقتی که بنام شما میفرمائید که بعد هم بروگرایی خواهید آورد و تثبیت خواهید کرد واحد پول ما را بطلا پس این نقره که هست اگر میتوانید اجازه بدهید صادر کنند چرا صادر نکنند (دستی) - برای اینکه بعدش تبدیل کنند (طلا) از سرحد ترکیه یا جاهای دیگر که واحد پولشان هنوز نقره است اینکه خیلی خوب است آقای وزیر عدلیه هم تشریف آوردند راجع باین مسئله که عرض کردم مسئله دیگر این عبارت است که در ماده اول هست و در این ماده هم هست که نوشته است: خرید و فروش و اقاله و بطور کلی هر قسم معامله راجع باسعار و نقود خارجی اینجا آقای وزیر عدلیه توجه بفرمایند دو چیز نوشته است آقای دستی شما هم ممکن است جواب بدهید در اینجا در قسمت اول نوشته است بنرخ غیر از نرخ مقرر از طرف کمیسیون نرخ اسعار و در قسمت دوم مینویسد یا بدون اجازه کمیسیون تقشیر در ماده ۴ یعنی اگر یکی از اینها باشد کفایت میکند بنرخ غیر از نرخ مقرر از طرف کمیسیون نرخ اسعار اگر غیر از او باشد با اجازه کمیسیون تقشیر کفایت میکند یکی از این دو ناست اینجا عبارتی که نوشته شده است یکی از این دو ناست ولی آن لایحه که دولت آورده است آنرا يك قسم علیحده قرار داده است. يك ممنوعیت عبارت از این است که نمیتواند بفروشد بدون اجازه کمیسیون بنرخ غیر از نرخ مقرر از طرف کمیسیون. ماده دیگر جزء دیگرش این است که بدون اجازه کمیسیون تقشیر مذکور بنده میگویم

بعد از آنکه يك کمیسیون شما معین کردید برای تعیین نرخ و او هم مطابق همان آمد و فروخت دیگر عتاج با اجازه کمیسیون تقشیر نیست (دستی) - هر دوش لازم است (بند اساساً موافقم و هر جوری که تحدید واقع شود موافق هستم اما جائیکه باید تسهیل شود چرا تحدید میکنند؟ همین که کمیسیون نرخ معین کرد که نرخ بران لندن مثلاً پنج تومان است همین که کمیسیون آمد و گفت دیگر محتاج بکمیسیون تقشیر نباشد. غرض این است که ما این را وارد هم آرا. این يك مسئله که حالا توجه فرمودید يك مسئله هم راجع به نقره است چون آنوقت هم که آقای رئیس را ما سؤال کردند که نظریات خودمان را نسبت بان لایحه نقره بنویسیم بنده نظرم این بود که خروج نقره مطلقاً آزاد باشد نقره حنسی شده است که آزاد باید باشد. این هم یکی. یکی دیگر صادر کردن اسکناس ایران مگر حدودی که قوانین و نظامات اجازه بدهد این راه اگر مرجع میفرمودید و توضیح میدادید که قوانین و نظامات اجازه بدهد یعنی چه؟ چون این يك مطلبی است که بنده نمی فهمم یعنی با يك قوانینی در مسئله اسکناس نداریم يك امتیاز نامه بانك شاهنشاهی دارد يك کسی هم میرود آنجا میگوید نماینده دولت هستم سالی هم يك چیزی در بودجه نوشته میشود. این يك قوانین و نظامات در اینجا با چیز است که نوشته مگر در حدودی که قوانین و نظامات اجازه بدهد. این را معین کرده اید چه اندازه است چه تریبی است؟ این اولاً ثانیاً خروج اسکناس را بنده بهیچوجه مانع نمیدانم و آنچه را که ما فوق العاده علاقه داریم و اهل اقتصاد علاقه دارند محفوظ بودن طلای مملکت است طلای مملکت باید محفوظ باشد. غیر از طلا هر چه میخواهد باشد از بین برود خدا کند روزی این کاغذ را از بین ببرند آن ضرر ندارد. آن چیزی که ما باید حفظ کنیم طلاست. این هم نظریات بنده در این ماده است.

وزیر عدلیه - برای اینکه يك عده از آقایان بیرون بودند و بنده از شان خواهش میکردم که تشریف بیارند

اینجا نبودم این بود که پرسیدم اشکالاتی که شده بود یکی راجع بکلمه اقاله است که بنده برای اینکه قال و مقال را بردارم این کلمه را تبدیل میکنم بواگذاری.

دکتر حسنخان - معنیش همین است

وزیر عدلیه - مقصود هم این است که بنده نتوانم برات را بدگیری و اگذار کنم برای اینکه اشکال پیش نیاید نوشته شود خرید و فروش و واگذاری و راجع به اشکال دیگری که آقای شریعت زاده فرموده بودند که چرا ما آمده ایم و منع کرده ایم که باعتبار نقود و اسعار خارجی قرض بدهند اگر این کار را نمیکردیم اصل مقصود تأمین نمیشد برای اینکه اگر شما بمن اجازه میدادید که بنده بیایم و پول خارجی خودم را در يك جائی بگذارم از يك طرف شما میخواهید جلوگیری کنید از احتکار اگر بنده دیدم در ماده منع احتکار هست و بمن میگویند حق ندارم بیایم لیره ذخیره کنی بنده چکار میکنم میگویم که من لیره احتکار نمیکم میآیم و این پول خارجی را در پیش شما میگذارم و باطناً احتکار میکنم ظاهراً يك مقداری هم در مقابل قرض میکنم باعتبار آن و بکمه مقدار لیره در راه میخوانم لایحه و نتیجه چه میشود؟ نتیجه این میشود که در بازار لیره اندازه تقاضا عرضه نمیشود چون يك مقداری کنار گذاشته شده و ذخیره شده است منتها صورت ظاهرش صورت قرض است باین مناسبت برای اینکه جلوگیری از اینکار بکنیم تقشیر همانطور که نمیتواند پول خارجی خودش را يك نوشته نگاه بدارد همانطور هم نمیتواند يك صورت شرعی قانونی بهش بدهد و بگوید بنده این را اگر کنار گذاشتم احتکار نکردم کرو گذاشتم. يك اشکال دیگری هم آقای سید یعقوب فرمودند که دو کمیسیون برای چه لازم است؟ این دو کمیسیون هر دو لازم است دو کار هم دارد یکی برای کارهای هم هست که در يك جا نمیشود جمع کرد کمیسیون معیار بایستی مرکب باشد از نمایندگان دولت که در اینجا واجب باشند و نمایندگان بانك برای اینکه روی عرضه تقاضا بتوانند نرخ را معین بکنند بی حساب که نمیشود

نرخ را معین کرد اما يك همچو کمیسیون را نمیشود بهش اقتدار داد که باید از نظر مصالح کلی مملکت که دولت مکلف است فقط تشخیص آنرا بدهد بچند نفر از نمایندگان بانك و دولت اجازه داد که شما بیایید به بعضی از مال التجاره ها اجازه ورود بدهید. عبارتة اخرى اسعار آنها را بفروشید. این کار که امروز آیا جواز باید بدهیم که لیره بخرند یا برات خارجی دیگری بخرند برای وارد کردن فلان قسم مال التجاره این يك چیزی است که فقط دولت يك مملکتی حق دارد. بانك يك تجاری است باو نمیشود حق دولت را واگذار کرد ما چون دو کار میخواهیم بکنیم یکی نرخ را معین کنیم از روی عرضه و تقاضا یکی هم يك جای دیگر داشته باشیم که آنجا اگر دید تقاضا دارد زیاد می شود جلوی بعضی تقاضا ها را بگیرد از نقطه نظر مصالح مملکت و آن البته باید عمل دولت باشد و بنا بر این باید منحصر از مامورین دولت باشد و این کار را باید به دو دسته از مامورین دولت سپرد. یکی دیگر راجع به صادر کردن نقره مضر است از چه نظر! یکی در خود این لایحه اگر شما توجه میفرمودید بجوابی که بنده قبلاً به آقای اورنگ دادم عرض کرده بودم که مال التجاره خارجی که مستقیماً میآید بچه شکل پولش داده میشود؟ چند فرض بود یکی از آنها این بود که بنده از خارج قرض بفرمائید عطر می آورم و اینجا در مقابلش نقره شمش میخواهم بفرستم مال التجاره که اینجا عمل میآید در مقابلش بفرستم شمش و پنبه و ابریشم بفرستم که اینجا عمل میآید که برای ما ضرر ندارد اما نقره را بفرستم پس از برای اینکه جلوگیری از این عمل بکنیم لازم است صدور این را هم منع کنیم بعلاوه فراموش نباید بفرمائید ما راجع بیک لایحه که در یکی دو جلسه دیگر راجع به اتخاذ واحد پول طلا تقدیم مجلس خواهیم کرد و میبایستی از برای او ما يك ذخیره طلائی تهیه کنیم البته یکی از منابعی که ما داریم که با آن منبع ذخیره طلا تشکیل

میدهیم در داخلهٔ مملکت خودمان همان نقره است که در داخلهٔ مملکت است و نباید گذارد که امروز این نقره برود عطر و بعضی اشیاء غیر ضروری بیاورد و پس فردا که ما میخواهیم طلا بیاوریم نقره در داخلهٔ ما گران شده باشد باین جهت است که جلوی او را میگیریم اما راجع به اسکناس اولاً باید فهمید که اسکناس چیست اسکناس عبارت است از يك براتی در وجه حامل بدون وعده اگر شما بخواهید برات را جلوش را بگیرد باید این شکل از برات را هم جلوش را بگیرد که نرود بعلاوه میدانید که اسکناس نمایندهٔ نقره است اگر رفت باید اجازه بدهید که دنبال سر او نقره هم برود وقتی اسکناس بانك رفت در بغداد و بردند در يك شعبه بانكي یا بانك بابستی در مقابل نقره ایران را بدهد یا اینکه پنج تومان پول در مقابل بدهد یا اینکه ندهد اگر بخواهد ندهد که اعتبارش می رود اگر بدهد که در مقابلش نقره میخواید و وقتی که شما نقره را منع میکنید که بواسطهٔ آن دلالتی که عرض کردم نمینواند بدهد باین دلیل هم هست که جلوگیری از اسکناس شده.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادی از آقای احتشام زاده رسیده قرائت میشود:

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم عبارت (باستانهای اشیاء نقره زرگری شده) از آخر فقرهٔ نه حذف شود
رئیس - بفرمائید.

احتشام زاده - در فقرهٔ نه ورود نقره بطور شمش یا مسكوك منع شده است ولي استثنا شده است اشیاء زرگری شده بنده تصور میکنم برای حفظ اعتبار خود این فقرهٔ نه یعنی منع ورود نقره لازم است اشیاء زرگری را هم منع کنیم برای اینکه ممکن است بعنوان اشیاء زرگری شده ظرفهای بزرگ وارد کنند (حکمت - مثلاً خمره نقره!) این یکی یکی دیگر اینکه یکی از مسائلی که جزو اصول اقتصادیات در نظر دولت هست و لواجبی

ماده سوم - برای تعیین نرخ خرید و فروش اسعار و نفوذ خارجی در طهران و تعیین نرخ آنها در ایالات و ولایات کیسیونی باسم کیسیون نرخ اسعار در طهران تشکیل خواهد شد مرکب از:

۱ - یکنفر نماینده وزارت مالیه

۲ - یکنفر نمایندهٔ وزارت اقتصادیات

۳ - یکنفر نمایندهٔ ادارهٔ گمرکات.

۴ - مفتش دولت در بانك ملی

۵ - یکنفر نماینده از طرف هر يك از بانكهای که مطابق قوانین و نظامات در ایران مقیم بوده و اجرای مقررات این قانون را بعهده بگیرد

استماع هر يك از بانكهای فوق الذکر از قبول شرکت در کیسیون و همچنین عدم حضور نماینده هر يك از آنها در جلسات مانع تشکیل کیسیون و اتخاذ تصمیمات مقتضیه نخواهد بود

تصمیمات کیسیون با کثرت آراء حاضرین اتخاذ می شود.

نظامنامه‌های مربوطه بکیسیون را هیئت وزراء تصویب خواهد کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم برای اینکه آقای

وزیر عدلیه توضیح بدهند اصل ماده آن چیزهایی که اساسی بود گذشته است دیگر در اینجا جریان عملیات لایحه است در آنجا یکنفر نماینده وزارت مالیه نوشته شده است ولی در اینجا تعبیر میکند به مفتش خواستم نظر دولت را به بینم آنجا نماینده میگوید اینجا مفتش خواستم به بینم فرقی چه چیز است نقطه نظر اساسی است که فرق گذاشته اید؟ اینجا مفتش معین کرده اید نه نماینده این یکی و یکی دیگر اینکه این عبارت که میگوید یکنفر نماینده از طرف هر بانکی که مطابق قوانین و نظامات در ایران بوده و اجرای مقررات این قانون را بعهده بگیرد بنده چون در این قانون هر چیزی که عقاید خودم بوده

است یا توانسته ام عرض کرده ام در دورهٔ چهارم و پنجمه شعبهٔ بانك عثمانی همین بانکی که هست در خیابان لاله زار تشکیل شد بنده سؤال کردم در کابینه قوام السلطنه بود بنده سؤال کردم تشکیل این برای چیست بعد اینچاسا های و هوی بمن کردند که چرا این سؤال را میکنی برای اینکه الان بانك شاهنشاهی خیلی سخت گیری کرده است اگر يك فرجهٔ پیدا شود يك صراف دیگری پیدا شود اسباب بهتری میشود این حرف را زدن ولي بنده چون این عقیده را ندارم کاملاً در نظر دارم مرحوم حاج سید علی اکبر فال حصیری در شیراز درسی و هفت سال پیش از این وقتی که بانك میخواست تشکیل بشود میگفت که اشتباه میکنید يك پیر مردی بود از مالاها بود در پاریس هم تحصیل نکرده بود میگفت این بانكها بالاخره ما را بخاك سیاه میاندازد بنده هم بهمین عقیده هستم که بانكها نه این است که يك صرافهایی باشند که نتیجه داشته باشد برای ما در اینجا حالا چندتا بانك هست بانك عثمانی است بانك روس است بانك پهلوی است بانك ملی است نظر دولت در اینجا که نوشته یکنفر نماینده از طرف هر بانکی که مطابق قوانین و نظامات در ایران مقیم بوده آن چیزی که معتبر است در حکومت مشروطه تصدیق میفرمائید قوانین است نظامات را بنده نمیدانم چه چیز است آن چیزی را که شما پاینده باو هستید قوانین است هر چیزی را که قانون اجازه داد و قانون حق باو داد و حاکم ما و دستور دهنده ما قانون است هر چیزی را که قانون اجازه داد ما باید رسمیت بدهیم و حق بدهیم و هر چه که قانون حق نداده است دیگر در تحت عبارت مجمل بنده نمیفهمم این است که بنده آن نظامات را معتقد نیستم و هر بانکی که مطابق با قوانین مملکتی ما تشکیل شود و متعهد شود مملکت ما بحمدالله قوه و قدرت دارد که مجلس شورای ملی ما قانونش که گذشت هر کس باشد اجرا میکنند خیلی من از این مسئله سر افراز و خوشحالم که بحمد الله دارای قوه و قدرت شده ایم که در مملکت ایران در زیر آسمان ایران قانونی که از مجلس شوری ملی

گذشت آنقدر قدرت داریم هر بانکی که مطابق قوانین ایران واقع شد او را رسمیت بدهیم.

وزیر عدلیه - مفتش بانک غیر از نماینده بانک است مفتش بانک نماینده دولت است در بانک اینجا نوشته ایم مفتش بانک در حقیقت آنکسی است که از طرف دولت و مستخدم دولت است در بانک تفتیش میکند بانک ملی هم مثل سایر بانکها یک نماینده خودش خواهد داشت پس بنابر این مفتش غیر از نماینده است و اما راجع به بانکها که صحبت فرمودید بنده درست عقیده مخالف آن شخص محترمی که اظهار کردید دارم بنده عقیده دارم که بانک عبارت است از یک مؤسسه اعتباری یک مؤسسه که از برای معامله بروات و پول اسعار دادن و اینها است و هر چه در یک مملکتی بیشتر بشود اسباب آبروی آن مملکت و ترقی اقتصادی آن مملکت است اما راجع به نظامات فرمودید قوانین ممکن است از هر حیث محتاج به نظامات باشد یعنی از یک طرف قوانین یک کلیاتی را میگویند که از برای اجرای او بایستی یک نظامنامه هائی بنویسند که در خود قانون نیست یا اینکه نظامنامه یک چیز هائی است که قانون او را متعرض نمیشود نظامنامه بر خلافش نیست البته یک نظاماتی که بر خلاف قانون باشد همچو چیزی فرض قانونی ندارد که بنده میخواهم در اینجا حرف بزنم ولی آن نظامنامه که برای اجرای قانون است که هیچ نماسی یا مواد قانونی ندارد در حاشیه قانون یک توضیحاتی را از برای اینکه در عمل روشن شود میدهد آنها بجای خودش واضح است و باید باشد برای اینکه اگر یک نظاماتی که بر خلاف قانون نباشد لازم الرعایه شود گفته نشود فقط شما گفتید قوانین

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای یاسائی رسیده قرائت میشود

پیش نهاد آقای یاسائی :

بنده پیشنهاد مینمایم که نوشته شود نماینده وزارت اقتصادیات که تشکیل خواهد شد

وزیر عدلیه - بدون اینکه توضیح بدهند بند موافقت و قبول میکنم بجهت اینکه بعد تشکیل خواهد شد رئیس - قبل از اینکه ماده سوم رأی بگیریم بنده یک اعلامی را نکردم جبران میکنم و آن این است که بعد از تذکر آقای شریعت زاده که آقای وزیر عدلیه در جواب ایشان عوض کلمه اقاله و اکذاری را انتخاب کردند بنده غفلت کردم تذکر بدهم

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رأی میگیریم ماده سوم با اصلاحی که از طرف آقای یاسائی پیشنهاد شد و آقای وزیر عدلیه قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - کمیسوی موسوم بکمیسیون تفتیش مرکب از پنج نفر که هیئت وزراء انتخاب خواهند کرد در طهران تشکیل میشود وظیفه این کمیسیون رسیدگی بقضای نامه هائی است که هر کس مشتری اسعار و نقود خارجی است باید قبلا بدهد کمیسیون بشرط تصویب هیئت وزراء و در حدودی که هیئت معین خواهد کرد میتواند برای اعمال حق رسیدگی فوق الذکر یک یا چند مؤسسه بانکی و کالت بدهد در اینصورت مؤسست بانکی فوق مکلف هستند کاملا مطابق تعلیمات کمیسیون تفتیش عمل نمایند. خرید اسعار و نقود خارجی را فقط در حدود احتیاجات واقعی و موجه اجازه میتوان داد. در جواز خرید اسعار اسم خریدار باید ذکر شود بدون اجازه کمیسیون هیچ جوازی قابل انتقال بغیر نخواهد بود.

فروش اسعار و نقود خارجی بدون جواز کمیسیون یا جواز بانکهای که از طرف کمیسیون حق دادن جواز دارند ممنوع است بانکهای مجاز در اسعار و نقود خارجی میتوانند موارد فوتی تا معادل دو هزار قران اسعار و نقود خارجی بفروشند مشروط بر اینکه از خریدار دلالت کتبی فوتی بودن تقاضا را اخذ نمایند و بانکها مکلف

هستند دلایل کتبی فوق را باسرع اوقات بکمیسیون تفتیش برسانند کمیسیون تفتیش نظر بوضعیات بازار اسعار قبول تقاضای های مربوط به تحصیل اسعار را اجازه داده یا بتأخیر خواهد انداخت.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا این ماده که نوشته است در حقیقت می شود گفت که بیت الفصیده است کارها برگشته است اینجا یک کمیسوی مرکب از پنج نفر که هیئت وزراء انتخاب خواهد کرد تشکیل خواهد شد اولاً خواستم عرضه بدارم که این کمیسوی که تفتیش می کند شرایط اعضاء این کمیسیون چه چیز است و چه ترتیب است و چه مورد نظر گرفته شده است و چه جور خواهد بود؟ اگر ممکن است معین شود که رتبه اینها چیست باید از مستخدمین رسمی دولت باشد یا از غیر مستخدمین هم میشود از کسانی که صاحب اطلاع باشند برای اینکه یک موضوع فنی است؟ نظر دولت این است که از مستخدمین رسمی تشکیل دهد یا اعم از این است که مستخدم رسمی باشد یا اهل فن اگر از مستخدمین رسمی است که معلوم است حقوقش باعتبار قانون استخدام است اگر از مستخدمین رسمی نباشد کثرت خواهد کرد؟ چه ترتیب خواهد شد؟ موضوع دیگر اینکه این اختیاری که از برای کمیسیون داده شده است یعنی کمیسیون دارای یک اختیاراتی است که در اینجا هست ما تطبیق میکنیم ماده را با اینکه اینجا نوشته است می بینیم تنافی دارد چطور؟ مرکب از پنج نفر که هیئت وزراء انتخاب خواهند کرد در طهران تشکیل میشود وظیفه این کمیسیون رسیدگی به تقاضای نامه هائی است که هر کسی مشتری اسعار و نقود خارجی است باید قبلا بدهد کمیسیون بشرط تصویب هیئت وزراء و در حدودی که هیئت معین خواهد کرد میتواند اینجا میخواهم بگویم که آثار نظر تصویب هیئت وزراء است یعنی چه؟ یعنی یک کمیسوی معین می شود و مثلاً فلان شخص که می خواهد برات خارجی

را بخرد یا پول بدهد میاید میدهد بکمیسیون کمیسیون میدهد به هیئت وزراء؟ این کارها را بالاخره کمیسیون میکند یا بدست هیئت وزراء است؟ این انداختن به هیئت وزراء غیر از معطل کردن هم کار هیئت وزراء را زیاد کردن و هم معطل کردن کار اثر دیگری ندارد آنجا که وظایف کمیسیون را معین کردند که باید فلان کند فلان اجازه را بدهد یا ندهد دیگر در اینجا باز هیئت وزراء را قید کرده اند بنده کان میکنم که غالباً اسباب معطلی در تجارت است. حالا آقایان میگویند استدعا میکنم رحم کنید آنچه چیزی که بنده فهمیدم مادر اینجا نظرمان حقیقه تجارت مملکت است طرف من در در خارجه است میبینند کتیرا امروز در فلان جا بورس بالا رفته است بر میدارد مینویسد بطرفش که قیمت فلان اندازه است فلان حواله را بخر. این را ما اینجا اولاً میدانیم به کمیسیون بعد هم کمیسیون میاندازد به هیئت وزراء در این بین خوب ملتفت شوید چیزی که بنده بفهمم اما در این بین کمپانی هائی که در خارجه هستند (والله بنده وحشت دارم) این جریان را ندارند چرا؟ برای خاطر اینکه بهمان ترتیبی که بنده تصور کردم می آید و بدون این که در تحت عناوین این واقع شود یعنی بدون اینکه رجوع شود بکمیسیون. بدون این ترتیبات خودش اینکارها را می کند یعنی چه؟ باز دوبرتبه توضیح میدهم که ملتفت شوید خودتان تصدیق میفرمائید که در تجارت کردن وقتی دو روز تاخیر بشود چقدر تفاوت می کند طرف من در خارجه است حواله مینویسد برات حواله میکند برای من قالی بخر، اینجا من باید به این جریان بدهم اما کمپانیهای خارجه که بدون این تشریفات و بدون اینکه این جریانات را تعقیب کنند. و بیانات شما رفع اشتباه بنده را نکرد فوراً اطلاع پیدا میکنند و فوراً بهمان ترتیبی که آقای شیخ الملک قدری متوجه شدند و بان آزاد بودن و بان اطمینانی که دارند زود تر مال التجاره را میبرند آنوقت در اینجا

نسبت به تبعه ما و تجارخانه و تجار ما ضرر وارد می آید چرا برای اینکه در اینجا این پیچ و خم ها اسباب معطلی میشود یعنی در اینجا راههای دوری است شاید در موقع عمل در مقام اصلاحش بر بیابند و اگر همچو چیزی را دیدند جبران کنند اما این مسئله بعد از اینکه عملیات و تکالیف کمیسیون را ما معین کردیم عقیده ندارم که دو مرتبه برود به هیئت وزراء و تصویبنامه هیئت وزراء در این باب صادر شود چون تمام چیزهایی که میخواهند این کمیسیون دارا هست.

وزیر عدلیه - اما جواب بنده راجع بشرایط اعضاء کمیسیون تقنینی شرایطی در اینجا نوشته نشده است مسلم است در عمل اشخاصی انتخاب خواهند شد برای این کمیسیون که دارای اطلاعات مناسب با این کار باشند و هیچ ضرورت ندارد که حتماً از مستخدمین دولت باشند و در صورتیکه از مستخدمین دولت نباشند باید کمترت شوند پس بنا بر این گمان میکنم که جواب قسمت اول داده شد در قسمت دیگر راجع بشرط تصویب اینجا يك سوء تفاهمی شده مقصود این نیست که بنده وقتی يك يك جوازی میخواهم این جواز را کمیسیون ببرد به هیئت وزراء این عملی نیست. اصلاً وجود این کمیسیون برای چیست؟ ما يك قسم مال التجاره هایی داریم که اینها را ممکن است و اینجا پیش بینی شده است که کمیسیون بر دارد پیشنهاد کند به هیئت وزراء در آن حدودی که هیئت وزراء باو اجازه میدهد او وکالت میدهد ببانگها که دیگر لازم نباشد بخود کمیسیون هم بیاید باین معنی مثلاً فرض بفرمائید ما امروز فرض می کنیم که قند وارد کردن بر ضرر مملکت نیست از چیز های غیر لازم نیست آنوقت کمیسیون اجازه میخواهد که ببانگها از طرف خودش این حق رسیدگی که دارد برای جواز ببانگها وکالت بدهد که اگر کسی آمد از برای وارد کردن قند جواز خواست شما بانگها بدون اینکه بن مراجعه کنید بهم اسعار بفروشید پس این است

نه اینکه در هر عملی باید کمیسیون رجوع کند به هیئت وزراء و برای هر موردی اجازه بخواند که فلان آدم ده هزار لیره برات میخواهد بخرد که چای وارد کند خیر برای این کار نیست بلکه برعکس از برای تسهیل است آن مال التجاره هایی که واقفاً مفید است و طرف احتیاج است پیش بینی شده است که ممکن است يك صورتی کمیسیون ترتیب بدهد و از هیئت وزراء هم اجازه بگیرد که راجع باین قبیل مال التجاره ها این حق رسیدگی که بن دادید واگذار میکنم به خود بانک تا همیتقدر که خود آنها رسیدگی کردند دیدند که از برای این قسم مال التجاره هاست که اشخاصی آمده اند و اسعار خارجی میخواهند بهشان اجازه بدهند. این تسهیل میکند و برای يك قسم دیگر از اشیاء که آنها لازم است درش دقت بیشتری شود آنرا لازم است خود کمیسیون رسیدگی کند و آنها البته دقت بیشتری لازم دارد. پس بنا بر این گمان میکنم اینجا سوء تفاهم شده بود اما راجع بمسئله کپانهای خارجی که بنده تکرار میکنم برای اینکه اگر عین همانها باشد که معلوم میشود جنابعالی قانع نشده اید و چیز تازه هم بنده ندارم ولی این را عرض میکنم که ما يك اظهاری نباید بکنیم که همچو استنباط شود که ما در زندگانی داخلی مملکت خودمان یا این است که اقتدار این را نداریم که قوانین خودمان را نسبت بهم به بطور تساوی اجرا کنیم یا اینکه بخود يك نگرانیهای از خارجها تولید کنیم مردمانی که از خارج آمده اند اینجا تجارت میکنند باید آنها هم فایده ببرند آنها را هم باید تشویق کرد و اینطور نباید گفت که تصور شود ما با يك نظر ضد خارجی داریم سجن میکنیم این را بنده یقین دارم که نظر شما هم این نیست و برای اینکه سوء تفاهمی نشود. عرض کردم. عدله از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای افسر رسیده قرائت میشود
پیشنهاد آقای افسر
بنده پیشنهاد میکنم بعد از کله طهران اضافه شود در صورت لزوم در سایر مراکز مهمه تجارنی

رجوع بمرکز نباشد پس بنا بر این چه باقی می ماند؟ يك اجناسی باقی می ماند که لازم است درش دقت شود حالا اگر فرض کنیم آنکسی که در زدباب است يك قدری تأخیر شد که فلان عطر یا چیز غیر لازم را وارد کند چه اهمیت دارد. بنا براین نمی می کنیم آقا هم موافقت بفرمایند و پیشنهاد را پس بگیرند.

افسر - اگرچه با این ترتیب تجارت منحصر بتجار طهران خواهد بود ولی چون آقا فرمودند نمیتوانند موافقت کنند و آقایان هم رأی نمی دهند بنده مسترد می دارم.
ملك آرائی - پس نگیرید آقایان رأی می دهند. بنده رأی می دهم
رئیس - پیشنهاد دیگر :

پیشنهاد آقای اورنگ
بنده پیشنهاد می کنم که در موارد فوتی بجای دویست پانصد تومان قید شود
رئیس - بفرمائید
اورنگ شيخ الملکی - بنده با رعایت اینکه نمی خواهم وقت زیادی گرفته باشم از آقایان و شدت لزومی را که احساس میکنم تصور میکنم اگر عنایت بیشتری مبذول بفرمائید بهتر است و برای خاطر اینکه ذهن همه باز باشد مجبورم يك مثلی از آقای که رو بروی من نشسته است عرض کنم در عربستان آقای امیرچنگ حاشر يك دملي در پایشان پیدا شد (خنده نمایندگان) اطباء تجویز کردند و تشخیص دادند که این سل استخوانی است و تصدیق کردند که اگر نایبست و دو روز دیگر بعمل نرسد مقطوعاً مهلك است (خنده حضار صدای زنگ) با تصدیق آن اطباء ایشان سوار کشتی شدند و بلند رفتند و موقع عمل رسیدند و عمل کردند. این را برای چه عرض کردم برای این که نظیر اینها برای هر فردی

از افراد ممکن است واقع شود. يك كسيرا در آن دقیقه که من در بندر عباسم يا ديکری در بوشهر است و ديکری در چيرفت آقای رومی يا جای ديگر است اگر مريض شد و طبيب تشخيص داد که اين در چند روز معين ممکن است بعمل برسد بنجات رسیده و اگر بعمل نرسد بهلاک رسیده اين در همان چندروز معين نمیتواند کتباً يا تلگرافاً تحصيل جواز کند از کمیسیون طهران آن بانک محلی آنقدر اجازه داشته باشد که در همچو مورد فوتی بقدر مخارج و مصارف که اين از بندر عباس برسد بلندن بمن اجازه بدهد اين را اگر ممکن است تأمین فرمائيد در اين ماده اسباب رفاهيت عامه می شود برای خريد اشیاء است نه زحمت .

وزیر عدلیه - مسئله فوقی که ما در نظر گرفتیم غير از اين فرضی است که آقا فرمودند برای اینکه مطابق موادی که در نظر گرفته شده است برای دستور آن کمیسیون و نظامات آن کمیسیون یکی این است که اگر اشخاصی می خواهند مسافرت کنند و خرج سفر باندازه معمول می خواهند خرج سفر باندازه معمول داده می شود. این از برای موقعی است که يك کسی فرض فرمائيد در خارج اولاد دارد خبر باو برسد که او مريض است و خودش تعهد کرده که من از برای فلان مسئله می خواهم و این هم فوتی است برای اینکه فلان مبلغ را برساند و الا آن کسی که خودش می خواهد برود آنجا و تذکره اش را می برد آنجا که من مسافرم و تا فلان نقطه هم آنقدر خرجش است در حدود عادی البته باو اجازه میدهند و این مثالی که ما میخواهیم اینجا بیاوریم برای آن مواردی است که ما میخواهیم برات بفرستیم برای کسی که در خارجه است و آنرا هم در این حدودی که گرفتیم کافی است بعد می تواند بوسیله تلگراف و امثال آن زود تر بخواد و راحت باشد و هیچ اهمیتی نخواهد داشت .

رئیس - قانع شدند استرداد می کنند. آقای شریعت زاده پیشنهادی داده اند قرائت می شود:

پیشنهاد آقای شریعت زاده
توکبيل مذکور در این ماده در ولایاتی که بانکها شعبه با نماینده دارند فوراً باید بعمل آید
رئیس - بفرمائید
شریعت زاده - بنده باین تصور که شاید پیش این نشود راجع باحتیاجاتی که در ولایات هست این پیشنهاد را کردم ولی برای این که از توضیح اخیر آقای وزیر عدلیه دائر بانکه دولت متوجه این مسائل است قانع شدم و مسترد میدارم .

رئیس - آقای ناصری پیشنهاد کرده اند :

پیشنهاد آقای ناصری
پیشنهاد میکنم بعد از کلمات مؤسسه بانکی که در دو مورد در این ماده نوشته شده عبارت ذیل نوشته شود
یا تجارتخانه های مذکور در ماده يك .

رئیس - آقای ناصری

پیرزا محمود خان ناصری - تبصره ماده يك از نقطه نظر تجار ایرانی خیلی مفید بود از این نظر بنده عقیده دارم تجارتخانه هائی که بوجوب تصویب نامه هیئت وزراء از بعضی عملیات بانکی استفاده خواهند کرد مشمول این ماده شود

وزیر عدلیه - بنده خیال میکنم آقا اگر در این باره امر بگذارند ما قدری با احتیاط تر باشیم که بانکها اموراتشان خیلی بیشتر در تحت انتظام باشد بهتر است بنده نمیخواهم از اعتبار تجارتخانه ها تقید کرده باشم ولیکن اگر ما در اول امر بیائیم و اینکار را منجمد بکنیم بیانکها شاید نتیجه بهتر باشد بعد اگر دیدیم در عمل باشکالاتی برخواهیم خورد آنرا بتجارتخانه ها ندیم آنوقت البته اصلاح میکنیم .

ناصری - مسترد میدارم

رئیس - رای می گیریم بماده چهارم آقایان موافقت فرمایند .

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده پنجم قرائت میشود :
ماده پنجم - دارندگان اسعار و نقود خارجی مکلفند دولت یا بانکی را که برای این موضوع از طرف دولت معین شده از مقدار نقود و اسعاری که دارند مطلع نمایند هر فروشنده اسعار و نقود خارجی مکلف است خرید اسعار و نقود خود را بدولت یا بانکی که دولت معین کرده پیشنهاد کند دولت یا بانک مذکور باید تصمیم خود را راجع بخريد يا عدم آن بلافاصله بفروشنده اعلام نمایند خرید بلرخی که برای اسعار از طرف کمیسیون نرخ اسعار معین شده بعمل خواهد آمد

هر گاه دولت یا بانکی که برای این عمل از طرف دولت معین شده امتناع از خرید نمود بانکهای که در کمیسیون نرخ اسعار عضویت دارند و اسعار و نقود خارجی را پس از امتناع دولت یا بانک فوق الذکر تحصيل کرده اند در موقع فروش مکلف نیستند خرید آن اسعار یا نقود را بدولت یا بانک نماینده دولت پیشنهاد نمایند مگر اینکه از روز تحصيل اسعار و نقود خارجی تا روز فروش بیش از ده روز نگذشته باشد .

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده خواستم يك تذکری بدولت بدهم که قسمت توهم که قسمت اول این ماده يك توسعه زیادی دارد هر کس در خارجه نقود دارد باید بدولت اطلاع بدهد ممکن است در خارج اشخاصی نقودی بعنوان حساب ثابت داشته باشند و اساساً مورد معاملات صرافتی نباشد اگر دولت این عبارت را کافی می داند که ممکن نیست سوء استفاده از آن بشود که هیچ و اگر هم لازم است تصریح شود آهه عیبی ندارد .

وزیر عدلیه - بنده تصور می کنم این ماده زحمتی بآن فرضی که آقا کرده اند ندارد مقصود این است

که آن اشخاص که امروز يك براتی از برایشان میاید یا این برات را می خواهند بزودی بفروشند یا می خواهند نکه بدارند با اطلاع بدهند که از اینراه معلوم شود اسعار کجا احتکار می شود. آن فرض آقا وارد نیست روحی - مذاکرات کافی است .

رئیس - رأی می گیریم بماده پنجم آقایان موافقت قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده ششم قرائت می شود :

ماده ششم - بانکهای که مطابق این قانون اجازه معامله اسعار و نقود خارجی را پیدا میکنند مکلف هستند کلیه معاملات خود در ارجاع باسعار و نقود خارجی در دفاتر خصوصی که مطابق مقررات قانون تجارت صفحات آن نمره و امضاء شده باشد (ملک آرائی - بلند تر بخوانید صدای زنك) بلافاصله پس از معامله ثبت نمایند مفتشین دولت در هر موقع میتوانند در دفاتر مذکور تفتیش نمایند مدل این دفاتر را ممکن است کمیسیون نرخ اسعار معین کند :

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

(در این ماده معارضی نبود)

رئیس - آقایان موافقت با ماده ششم قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده هفتم :

ماده هفتم - متخلفین از مقررات مواد ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ این قانون (مجرم - شرکاء و معاونین) بطور تضامنی معادل مبلغی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده محکوم بتادیه جریمه خواهند شد (ملک آرائی آقا ما نمیفهمیم بلند تر قرائت فرمائید) این امر مانع نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متخلف بمجازات مقرر در آن قوانین نیز محکوم گردد . پرداخت

جریمه مستخدمین و اجزاء مؤسسات بانکی و تجارتی بمهده مؤسسه یابانکی خواهد بود که متخلف از اجزاء آن بوده مشروط بر اینکه من حیث شغلی که در مؤسسه یا بانک داشته مرتکب جرم شده باشد

آفاسید یعقوب - تبصره را چرا نخواندند (تبصره ماده ۷ نیز بمضمون ذیل قرائت شد) تبصره - بکاشفین تخلف کنندگان از این قانون سی درصد از جرائم مأخوذه پرداخته خواهد شد.

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب - در این جا این ماده هفت ماده مجازات است که باید در کمیسیون دقت شود. در این جا بنده خواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که این عبارتی که اینجا ذکر می کنند معلوم است اگر کاغذ سازی یا برات سازی کند جزایش معلوم است آن را نمی شود باین قانون وادار کرد بعلمت خاطر اینکه آن جرمی است و جزایش هم معین است این عبارت که متخلفین از مقررات مواد ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ (مجرم شرکاء و معاونین) بطور تضامنی معادل مبلغی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده محکوم بتادیبه جریمه خواهند شد بنده میخواهم عرض کنم چنانچه در قانون مجازات هم هست مجرم و معاون مجرم معاون مجرم را در آن جا جزای مجرم را بهش نمیدهیم شرکاء را هم همینجور اخف است اینجا بر سبیل مطلق بیان کردیم بطور تضامنی بطور تضامنی یعنی چه یعنی مجرم ضامن معاون مجرم است معاون مجرم ضامن مجرم است یعنی اگر خود مجرم بدست نیاید معاونش بدست آید آن مجازاتی که برای مجرم است بگردن او باشد بنده مثلاً میگویم مجرم کوساله ملا نصرالدین آن که بدست نیامد این را باید زد تا خورد شود. مجرم بدست نیامد این بیچاره معاونش بود حالا این جرم را او کرده. حالا بنده گمان نمیکنم تضامنی باشد مجازات خودش را بدهند چرا جرم او را بمعاونش بدهند که اگر او میگریخت بیشتر میگریخت (خنده حضار)

رئیس - بفرمائید

احتشام زاده - يك اصلاح عبارتی است که بنده پیشنهاد کرده ام

وزیر عدلیه - بنده موافق هستم بجهت اینکه مقصود هم همین است

رئیس - رأی میگیریم بماده هفتم با اصلاحی که از طرف آقای احتشام زاده پیشنهاد شد و آقای وزیر عدلیه قبول کردند موافقین قیام بفرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم:

ماده هفتم - این قانون در طهران سه روز پس از تصویب و در ایالات و ولایات پانزده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده می شود

رئیس - مخالفی ندارد؟

افسر - چرا بنده

رئیس - بفرمائید

افسر - با تمام ادله که برای فوریت آقای وزیر و آقایان موافقین اینجا آوردند پانزده روز خیلی زیاد است. در صورتی که در طهران سه روز قرار داده میشود و این هم با تلگراف مختصره می شود پانزده روز بنظر بنده زیاد است. يك قدری کم کنند و الا آن نظری که داشتید در فوریت تامین نخواهد شد.

وزیر عدلیه پیشنهاد بفرمائید.

افسر - بنده يك هفته پیشنهاد می کنم.

وزیر عدلیه اگر ده روزه پیشنهاد کنند بنده هم برای سهولت موافقت خواهم کرد.

افسر - بسیار خوب ده روز پیشنهاد می کنم.

رئیس - پس مرقوم بفرمائید.

یاسائی - خود آقای وزیر پیشنهاد اصلاح میکنند

رئیس - رأی می گیریم بماده هفتم با پیشنهاد اصلاحی آقای افسر که دولت قبول کرده است آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه از طرف آقای فیروز آبادی پیشنهاد شده است:

بنده پیشنهاد می نمایم که مدت این قانون یکسال بوده باشد و بعنوان ماده ۹ اضافه شود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده همیشه عرض کرده ام که موافق با اصلاحات مشروع هستم و عقیده ام این است که اگر اصلاحات نشود ادامه زندگی برای اهل این مملکت دشوار خواهد بود و با همه اصلاحات موافقم اما این لایحه را بعقیده خودم عملی نمی بینم و عقیده ام این است که دولت هم بزحمت خواهد افتاد و باشکالائی بر خواهند خورد و در عمل يك قدری اسباب زحمت می شود باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم که يك ماده الحاقی شود که تا یکسال بیشتر نباشد اگر بعد دیدند عملی شد ممکن است دو مرتبه رأی بدهند و اگر عملی نشد ملغی شود و ورود بی کارش زیاده از يك سال مردم در زحمت نباشند

وزیر عدلیه - بنده تصور می کنم که آقا هم موافقت

بفرمایند این ماده را پس بگیرند برای این که بسته است بوضعیات و ضرورت ممکن است شش ماه ضرورت داشته باشد ممکن است دوسال. با همینطور که نوشته ایم موافقت کنید

فیروز آبادی - پس میگیرم.

رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای یاسائی

یاسائی - بنده خواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که اجرای این لایحه بنظر بنده متضمن يك مخارجی است آیا دولت برای خرجش يك فکری کرده است یا خرجی ندارد اجرای آن و تشکیل کمیسیون تقنین و اینها هیچ خرجی نخواهد داشت؟ یا اصلاً فکرش را نکرده اید. بنظر بنده مستلزم يك مخارجی خواهد بود.

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که این لایحه مخصوصاً حالا در آخر سال خرج زیاد دارد اما اعضاء کمیسیون از مستخدمین ادارات خواهند بود بر فرض از میان اینها یک نفر آدمی باشد که مستخدم نباشد از برای او يك خرجی هست ولی بعد در بودجه سال آتی منظور خواهد شد و در هر صورت اساساً خرج زیادی نخواهد داشت
رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده لازم دانستم دو سه کلمه بعنوان تذکر بعرض مجلس برسانم (یکی از نمایندگان - هیچ لازم نیست) و مخصوصاً نظر دولت را جلب کنم این لایحه برای يك اصلاح موفق پیشنهاد شده است و البته دولت متوجه است که آن نقشه وسیع اقتصادی که برای چند سال در نظر است هر چه زودتر بمجلس بیاورد که مجلس قدمهای اساسی که نتیجه اش تأمین حیثیات اقتصادی مملکت است بردارد بعلاوه البته دولت متوجه خواهد بود که در اجرای این مطلب و این لایحه و مقررات این قانون طوری سعی کند که بطور قطع تساوی کامل تأمین شود بین مؤسسانیکه در این مملکت هستند اعم از داخلی و خارجی و یقین دارم که دولت ما هم نسبت باین مسئله توجه دارد و امید وارم در قدمهای بعدی موفقیت های بیشتری نصیب مملکت شود که هیچوقت این طور مشکلات برای مملکت پیش نیاید.

وزیر عدلیه - تذکراتی که ایشان دادند بنده همه را قبول میکنم و کان میکنم همینطور رعایت بکنیم و

گفته شد که این يك مسکنی است هیچکس نکفت که این يك علاجی است بنده هم که به آقا شرح دادم و بالاخره باز عرض میکنم بنده ممنونم که تا این وقت از شب نشسته اید و کار کرده اید و بما تذکر داده اید و تذکر هم نداده بودید ما اطاعت می کردیم

آقای سعید یعقوب - فحش ها را دادید - دست آخر ملایم شدید

رئیس - رأی میگیریم باین قانون که شامل هشت ماده

است آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد
[۵ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - اگر آقایان موافقت میفرمایند جلسه آینده شب پنجشنبه ساعت هفت و نیم بعد از ظهر (مجلس دو ساعت بعد از نصف شب ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

مطابق مقررات رفتار کنیم .
عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است
آقای سعید یعقوب - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید
آقای سعید یعقوب - بنده یقین دارم آقایان تصدیق خواهند کرد و توجه میدهم هم آقای وزیر عدلیه را و هم سایر آقایان را بیک نکته و آن نکته این است که بکنتر از دوستان بیرون به بنده تذکر داد . ما اساس نظرم این است که صادراتمان زیاد و وارداتمان کم بشود. بنده نظرم این است مثلاً در هندوستان بنده میدانم صادرات هندوستان خیلی است و واردات آن کم است بنده میخواهم بدست ایرانی بشود . آن چیزی که فکران و توجهتان است باید به این قسمت باشد . آنچه چیزی که بنده نظرم این قانون دارم و آنچه چیزی که بنده عرض کردم و شما جواب دادید بنده باعتبار حسن ظنی که بشما دارم تفسیر میکنم و امیدوار هستم ولی این را معتقد هستم که رغبت ما دارای ثروت واقع شوند شاید صادرات ما زیاد شود و واردات ما کم شود اما صادرات ما چطور زیاد شود دیگری میخورد و میبرد دیگری پول نمی برد اما جواهر بر میدارد می برد جواهر را میگذارد توی جیبش بیرون میبرد و میفروشد . قانون که ندارد که جواهر را بیرون در تحت کنترل . يك فکر اساسی برای همان نقشه که آقای شریعت زاده فرمودند که دولت در نظر دارد راچ بمسئله اقتصادیات این در نظرمان باشد در خیالتان بنده که بدست ایرانی ایران نعمتش بدست ایرانی واقع شود نه اینکه يك قدمی ما برداریم آنوقت منافع بدست دیگران باشد و ما گرفتار فقر و مسکنت باشیم .
وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که بدون این تذکرات آقا دولت آنقدر استنباط داشت و واقفاً بکنترل شما بی انصافی میفرمائید از اول شب تا بحال این